

اطلاعیه پایانی پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲



بیانیه پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران علیه عدم ، صفحه ۱۶
میتوانیم و باید اعدام در ایران را متوقف کنیم!

بیانیه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد
جنبش کارگری و ضرورت اعتصابات سراسری گسترده و همزمان، صفحه ۳

قطعهنامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد ، صفحه ۴
امکان، مطلوبیت و مبرمیت سوسیالیسم در ایران

بیانیه پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد، صفحه ۵
پیرامون چشم انداز توقف کشتار و نسل کشی در غزه

قطعهنامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در مورد ، صفحه ۶
بن بست جمهوری اسلامی

بیانیه پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد، صفحه ۷
سیاست فاشیستی اخراج و سرکوب آوارگان افغانستانی توسط جمهوری اسلامی

پیام پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران ، صفحه ۷
به یاد سمیه رشیدی که در قتلگاه زندان قرچک جان باخت

بیانیه پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری
سوسیالیسم یا بربریت! صفحه ۸

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد، ادامه اعتراضات کارگران مونوژن و اخباری دیگر
صفحه ۱۵

تجمع و راهپیمایی نانوایان مشهد و اعتصاب کارگران کارخانه فولاد سیادن صفحه ۱۶

راهپیمایی باشکوه کارگران گروه ملی فولاد در خیابانهای اهواز صفحه ۱۶

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات، و اخباری دیگر صفحه ۱۷

ادامه سه شبه های نه به اعدام، اعتراضات دانشجویان خواجه نصیر و اخباری دیگر صفحه ۱۸

دوشنبه های اعتراضی در مراکز مختلف نفت و گاز جنوب صفحه ۱۷

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۰۵

۲۱ مهر ۱۴۰۴

۱۳ اکتبر ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

مردم با طرح کالابریگ
الکترونیکی فریب نمی
خورند

مهران محبی، صفحه ۹

گریزان از جنبش سیاسی؛
مبارزات کارگری یا چپ
سستی؟ یاشار سهندی
صفحه ۱۰

کارگران در هفته ای که
گذشت، صفحه ۱۴

از خوزستان خبر میرسد
صفحه ۱۲

۱۷ مهر: چند مورد اعتصاب
و اعتراض صفحه ۱۳

مدیای اجتماعی
بیانیه های تشکلهای
مختلف کارگری- اجتماعی
به مناسبت روز جهانی نه به
اعدام، صفحات ۱۸-۲۰

اطلاعیه پایانی پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران



گرفتند. اگرچه این جلسات الزاماً به تصویب اسناد مشخصی منجر نشدند، اما نقش مهمی در غنای فکری و سیاسی حزب ایفا کردند؛ به‌ویژه از آن‌رو که شمار بیشتری از رفقا در این مباحثات شرکت داشتند و گزینه‌ها و آلترناتیوهای متعددی برای مسیر آینده حزب در عرصه‌های گوناگون ارائه شد.

کیان آذر در صحبت‌های خود به دوره چند ماه گذشته مابین دو پلنوم اشاره کرد که یکی از حساس‌ترین و پرتلاطم‌ترین شرایط سیاسی ایران و خاورمیانه بوده که به نوعی شروع آن با سقوط دولت بشار اسد در سوریه و نقطه پایان آن تا زمان برگزاری پلنوم، سومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و تقویت احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه علیه جمهوری اسلامی بود. در بطن این شرایط مهم سیاسی، سازمان جوانان کمونیست فعالیت‌ها و جهت‌گیری سیاسی-پراتیک-سازماندهی-تبلیغی خود را به طور مشخص بر مبنای پلتفرم و نقشه عمل‌های مصوب شورای مرکزی سازمان جوانان و استراتژی‌های مندرج در آن: برنامه‌ریزی و پیشبرد اقدامات لازم (سیاسی-سازماندهی-تبلیغی) در روند سرنگونی جمهوری اسلامی، مختصات فعالیت با محور «سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی توسط مردم» (با پرچم زن زندگی آزادی، پاسخگویی به وضعیت ابربحرانی جمهوری اسلامی در حین جنگ اسرائیل و حکومت، اداره جامعه با دخالت و مشارکت مستقیم مردم از طریق شکل‌ها، گروه‌ها، فعالین، سازمان و احزاب سیاسی دخیل در انقلاب زن زندگی آزادی دوره و پس از سرنگونی و نابودی جمهوری اسلامی، ایجاد بسترهای لازم برای پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی و ارائه آلترناتیو سیاسی مبتنی بر مشارکت جمعی و مستقیم مردم، شکل‌ها، گروه‌ها، فعالین، سازمان و احزاب سیاسی متعهد به زن زندگی آزادی، رویکرد دیجیتال به شبکه‌های اجتماعی و رسانه، پیش برده است. این پلتفرم و نقشه‌عمل‌ها، محورها، اهداف، سرفصل اقدامات و استراتژی‌های کلی پیشبرد فعالیت‌ها برای بخش‌های مختلف تشکیلات را که در ادامه تشریح می‌شود، تعیین می‌کند.

بدنبال این سخنرانی‌ها مسئولین کمیته‌های سازمانده، کردستان، آذربایجان، خارج کشور، سازمان جوانان، مدیر تلویزیون کانال جدید، مسئولین مالی و هم‌مینور بیست و پنج نفر از مسئولین سایر ارگانها و عرصه‌ها گزارش فشرده‌ای از حوزه فعالیت خود ارائه دادند و اعضای کمیته مرکزی و هم‌مینور کادرها و اعضای شرکت کننده در پلنوم نقطه نظرات و پیشنهادات خود را برای بهبود و گسترش فعالیت حزب ارائه دادند. گزارش فعالیت‌های گسترده ارگانها و فعالین حزب حاکی از یک حزب شاداب و دخالتگر و رو به رشد در داخل و خارج کشور بود.

در این پلنوم چهار قطعنامه تحت عناوین: «بن‌بست جمهوری اسلامی»، «جنبش کارگری و ضرورت اعتصابات سراسری گسترده و همزمان»، «امکان، مطلوبیت و مبرمیت سوسیالیسم در ایران» و «ایران و خاور میانه در میانه دو روند تاریخی» (به تصویب رسید. چندین بیانیه نیز تحت عناوین: «سوسیالیسم یا بربریت»، «به یاد سمیه رشیدی که در قتلگاه زندان قرچک جان باخت»، «می‌توانیم و باید اعدام در ایران را متوقف کنیم»، «در دفاع از مردم فلسطین و محکومیت نسل کشی و پاکسازی قومی دولت اسرائیل در غزه» و «در باره سیاست فاشیستی اخراج و سرکوب آوارگان افغانستانی توسط جمهوری اسلامی» در فواصل مختلف پلنوم قرائت

پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۱۲ تا ۱۴ مهر ۱۴۰۴ (۴ تا ۶ اکتبر ۲۰۲۵) با حضور اعضا و مشاورین کمیته مرکزی برگزار شد. در این پلنوم که بصورت آنلاین- ویدیویی برگزار شد اعضا و کادرهای حزب نیز دعوت شده بودند. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم شروع شد و بعد از سه روز بحث و تبادل نظر و تصمیم‌گیری‌های لازم با موفقیت به کار خود پایان داد.

حمید تقوایی در سخنرانی افتتاحیه خود محورهای شرایط سیاسی امروز را برشمرد و گفت پایه همه تحولات سیاسی در دوره اخیر نظیر جنگ و تشنه‌های جنگی میان جمهوری اسلامی و غرب، جنگ مردم علیه حکومت است. او تأکید کرد جمهوری اسلامی اساساً برای سرکوب مردم به سیاست غرب‌ستیزی خود احتیاج دارد و این نفرت گسترده و جنگ مردم علیه حکومت است که بر کل روند تحولات در ایران و مناسبات و کشمکش‌های جمهوری اسلامی با اسرائیل و دولت‌های غربی نیز تأثیر می‌گذارد. او در بخش دیگری از سخنان خود به اهمیت جهانی جنبش زن زندگی آزادی پرداخت و گفت در شرایطی که ترامپسم و سر برآوردن نیروهای راست در کشورهای غربی نشانه دست کشیدن بورژوازی جهانی حتی از دموکراسی لیبرالی است، اهمیت انقلاب زن زندگی آزادی از جوار کردن اسلام سیاسی در منطقه فراتر می‌رود و غنی‌سازی زندگی و کرامت انسانی و آزادی‌های همه‌جانبه را به همه مردم دنیا از جمله در آمریکای تحت حکومت فاشیستی ترامپ، نوید می‌دهد.

بدنبال تصویب آیین‌نامه و دستور جلسات، اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب گزارشی از فعالیت‌های حزب در داخل و خارج کشور ارائه داد. گزارش ارگان‌ها، فونکسیون‌ها و فعالین حزب در نهادها و کارزارهای مختلف در ۹۰ صفحه قبل از پلنوم به اعضا و مشاورین کمیته مرکزی ارسال شده بود. رئیس هیئت اجرایی حزب به موضوع‌گیری‌های حزب در قبال مهمترین تحولات سیاسی در این دوره و فعالیت‌های تبلیغی و میدانی حول آنها از جمله جنگ اسرائیل و جمهوری اسلامی، سومین سالروز انقلاب زن زندگی آزادی، نهادینه‌تر و گسترده‌تر شدن بی‌حجابی و موقعیت بهم‌ریخته‌تر صفوف حکومت اشاره کرد و تأکید کرد که سیاست‌های حزب و فعالیت‌های گسترده میدانی حزب در داخل و خارج به گسترش نفوذ سیاسی حزب و تحکیم رابطه حزب با فعالین جنبش‌های مختلف منجر شده است. او به بهبود فعالیت کمیته‌ها و فونکسیون‌های مختلف حزب اشاره کرد و اینکه این فعالیت‌ها با هارمونی بالایی انجام شده‌اند. او به نقش کمیته سازمانده، سازمان جوانان و انقلاب زنانه، تشکیلات خارج کشور حزب، کانال جدید، کمیته کردستان و همچنین کارزارهای گسترده علیه اعدام، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و فعالیت اعضا و کادرهای حزب در عرصه‌های دیگر مبارزه اشاره کرد. در زمینه مالی اصغر کریمی توضیح داد که هر چند کمپین مالی سالانه حزب با جمع‌آوری ۱۵۱ هزار دلار با موفقیت کامل انجام شده و علیرغم کاهش برخی هزینه‌ها اما همچنان با بحران مالی مواجهیم. او از نقش موثر حمید تقوایی در پیشروی حزب و هم‌مینور از تلاش شبانه‌روزی فعالین حزب در داخل و خارج کشور که در تحکیم اتحاد میان فعالین زن زندگی آزادی و شکل دادن یا تقویت ظرف‌های مبارزاتی نقش ویژه‌ای ایفا کرده‌اند و نفوذ سیاسی و تشکیلاتی حزب را گسترش داده‌اند قدردانی نمود.

حسن صالحی رئیس دفتر سیاسی حزب در سخنان کوتاه خود، ضمن اشاره به گزارش مفصل دفتر سیاسی حزب به پلنوم، گفت که در فاصله میان دو پلنوم، یکی از پربحث‌ترین دوره‌های فعالیت دفتر سیاسی حزب را پشت سر گذاشتیم. تحولات سیاسی در جامعه، از جمله جنگ دوازده‌روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی، از موضوعات مهمی بودند که بارها در جلسات دفتر سیاسی مورد بررسی قرار

قطعنامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد جنبش کارگری و ضرورت اعتصابات سراسری گسترده و همزمان

۱- ابربحرانهای عمیق انرژی و اقتصادی که شامل بی آبی و بی برقی و کمبود گاز، تورم و گرانی کمرشکن است، زندگی اکثریت مردم در سراسر جامعه را به لبه پرتگاه کشانده است. تحریمهای گسترده ای که با فعال کردن "مکانیسم ماشه" در چشم انداز است، قطعاً ضربه مهلک تری به معیشت مردم وارد خواهد کرد.

۲- کارگران و کل مردم برای ادامه زندگی حتی در سطح حداقل آن، راهی جز مقابله و اعتراض هر روزه علیه تعرضات معیشتی حکومت و عقب زدن آن ندارند.

۳- هم اکنون در ایران اعتراضات بر سر معیشت در میان بخش های مختلف طبقه کارگر نظیر نفت و ماشین سازی ها و پرستاران و معلمان و همچنین در میان بخشهای مختلف بازنشستگان به صورت هرروزه جریان دارد. اعتراضات بخش های مختلف طبقه کارگر در صف جلوی مبارزه بر سر معیشت، با خود گفتمان های رادیکال و برابری طلبانه را جلو آورده و فریاد برابری طلبی و لغو فاصله طبقاتی به کف خیابان آمده است.

۴- این شوک سهمگین اقتصادی، ابر بحرانهای انرژی و پیامدهای مکانیسم ماشه می تواند با تشدید خشم کارگران و کل جامعه، به یک انفجار قدرتمندتر اجتماعی منجر شود.

با توجه به این شرایط:

الف- موثرترین ابزار کارگران و معلمان و پرستاران و بخشهای کارکن جامعه برای برون رفت از این وضعیت وخیم، «اعتصابات سراسری و متحدانه و همزمان» است. با این مکانیزم است که میتوان تعرضات حکومت و مافیای سرمایه داری به معیشت مردم را عقب زد.

ب- اعتصابات سراسری در یک بخش جامعه، و اتحاد و به هم پیوستن کارکنان بخشهای مختلف تولیدی و صنعتی و خدماتی، کاملاً امکان پذیر و موثر و

ج- پلنوم شصت حزب کمونیست کارگری تمامی تشکلهای، اکتیویست های کارگری -اجتماعی و تمامی فعالین انقلاب زن زندگی آزادی را به یک اتحاد سراسری برای شکل دادن به اعتصابات سراسری گسترده و همزمان، به عنوان یک پاسخ فوری در مقابله با اوضاع مشقت بار معیشتی و شرایط خطیر سیاسی امروز فرا میخواند و جهت به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی بر آن تاکید میکند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ مهر ۱۴۰۴ - ۵ اکتبر ۲۰۲۵

درماندگی جمهوری اسلامی، و از شرایط جنبش کارگری و ضرورت اعتصاب سراسری تا بررسی موقعیت جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی در خاورمیانه، در مباحث و همچنین بیانیه های پلنوم عنوان شد، و اسناد مصوب سیاست و جهت گیری حزب در رابطه با آنها را تعیین کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ مهر ۱۴۰۴، ۱۰ اکتبر ۲۰۲۵

مشخصات فنی تلویزیون کانال جدید

یوتل ست، فرکانس ۱۱۳۸۷ افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم (جهت یاهست) فرکانس ۱۰۸۴۵-عمودی ۲۷۵۰۰
یوتل ست فرکانس ۱۱۳۸۷ افقی ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۲/۳

KANAL جدید
کانال جدید

از صفحه ۲

اطلاعیه پایانی پلنوم ۶۰ ...

گردید.

در مبحث انتخابات ابتدا حمید تقوایی بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و بدنبال آن ۲۵ نفر بعنوان اعضای دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند که عبارتند از: کیان آذر، محسن ابراهیمی، عبدالله اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، شهاب بهرامی، فاتح بهرامی، پریسا پوینده، امیر توکلی، سهیلا دالوند، شهلا دانشفر، میلاد رابعی، هرمز رها، محمد شکوهی، شیرین شمس، میثم عتیق، مصطفی صابر، حسن صالحی، اصغر کریمی، ناصر کشکولی، عبدال گلپریان، نسان نودینیان، سمیر نوری، کاظم نیکخواه و بابک یزدی.

پلنوم با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی پایان یافت. او در این سخنرانی به جایگاه و اهمیت سیاسی پلنوم پرداخت و با توجه به دخالت فعال اعضای کمیته مرکزی در بحث و بررسی اسناد و قرار و قطعنامه های ارائه شده، پلنوم را یکی از سیاسی ترین و پربارترین جلسات کمیته مرکزی دانست. او گفت پلنوم یکبار دیگر به روشی نشان داد ما حزبی سیاسی هستیم که بر مبنای بحث و تبادل نظر و اقناع فعالیت می کنیم. او اظهار امیدواری کرد که در همه پلنومها و کنگرهها و جلسات دفتر سیاسی این روش و نظردهی فعال اعضا و کادرهای حزب همچنان ادامه پیدا کند. او همچنین در مورد مضمون مباحث و اسناد مصوب و بیانیه های پلنوم تاکید کرد که مهمترین و عمده ترین موضوعات مطرح در شرایط حاضر، از مساله جنگ و تنش های جنگی گرفته تا بن بست و



قطعنامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد امکان، مطلوبیت و مبرمیت سوسیالیسم در ایران

حقوقی کارگران و فقر و فلاکت پدیده
مختص به جمهوری اسلامی نیست
بلکه در پایه ای ترین سطح در

سودآوری سرمایه داری رشد نیافته ایران در بازار رقابت جهانی ریشه دارد. تاریخا سرمایه داری در ایران از نظر انباشت سرمایه ها، از نظر تکنولوژی، از نظر ترکیب ارگانیک سرمایه، از نظر بارآوری تولید و غیره بسیار از جهان صنعتی عقب تر است و لذا ناگزیر است برای اینکه در صحنه جهانی، بخصوص امروز که سرمایه بیش از هر زمانی خصلت جهانی یافته است، قادر به رقابت و سوددهی باشد عقب ماندگی خود را با استعمار شدید جبران کند. دیکتاتوری و سرکوب عریان طبقه کارگر، سرکوبی که لاجرم به کل جامعه بسط پیدا میکند، از اینجا ناشی میشود. کارگر خاموش و نیروی کار ارزان از ضروریات سودآوری سرمایه در ایران است و ازینرو هر نوع حکومت سرمایه داری در ایران نه تنها ناگزیرست تسمه از گرده کارگران بکشد، دستمزدهای چندین مرتبه زیر خط فقر را به کارگران تحمیل کند و تشکلهای و اعتراضات کارگری را درهم بکوبد، بلکه باید دهان همه را ببندد و هر مخالفت و اعتراضی را سرکوب کند. قلدرمندی سلطنت طلبان حتی در اپوزیسیون، و رویای احیای دیکتاتوری آریامهری آنان، از این نیاز عینی سرمایه داری ایران نشأت میگیرد.

۸- از نظر منابع طبیعی و نیروی کار کشور ایران غنی است. این امکانات میتواند برای تامین رفاه عمومی بکار گرفته شود. با حذف سودآوری بعنوان هدف و محور نظام اقتصادی، و لغو استعمار و بردگی مزدی مستلزم آن، میتوان رفاه عمومی منطبق بر پیشرفته ترین استانداردها را برای عموم مردم ایران تامین نمود.

۹- برسمیت شناسی قانونی آزادیها و ممنوعیت تبعیضات مذهبی و ملی و جنسیتی و نژادی شرط لازم تامین رفاه و خوشبختی در هر جامعه ای است ولی این بهیچوجه کافی نیست. باید امکانات عملی استفاده از آزادیها نیز تامین شود. کارگر و زحمتکشی که نه وقت و نه بنيه مالی استفاده از آزادیها و حقوق برسمیت شناخته شده قانونی نظیر حق سفر و تفریح و آموزش عالی و برخورداری از آخرین امکانات پزشکی و غیره را ندارد، عملا آزاد نیست. بدون لغو جبر اقتصادی و تولید با هدف تامین رفاه عمومی، بسیاری از آزادیها و حقوق برسمیت شناخته شده برای بخش اعظم جامعه بروی کاغذ باقی خواهد ماند.

این شرایط سوسیالیسم را در چشم انداز جامعه قرار میدهد. حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که جمهوری اسلامی، این هارترین و وحشی ترین حکومت سرمایه در ایران، باید آخرین حکومت سرمایه در ایران نیز باشد. ایران آزاد و برابر و مرفه تنها میتواند ایران سوسیالیستی باشد. حزب اعلام میکند:

الف- پیروزی نهائی انقلاب و رهائی توده مردمی که با انقلاب خود حکومت اسلامی سرمایه را بزیر کشیده اند مستلزم آنست که نظام سوسیالیستی در ایران برقرار شود. ارکان نظام سوسیالیستی عبارتست از آزادی، برابری و رفاه برای همگان. آزادی در سطح سیاسی و اجتماعی و مدنی، برابری بمعنی رفع و لغو تبعیض طبقاتی و همه تبعیضات، و رفاه به معنی تولید برای رفع نیازهای همه مردم.

ب- رایگان کردن کلیه خدمات پزشکی و درمانی، نظام آموزشی رایگان از مهد کودک و مدارس ابتدائی تا عالیترین سطح تحصیلات دانشگاهی، و ترانسپورت

۱- شرایط و فضا و تحولات سیاسی امروز در ایران، و بن بست و فلج اقتصادی حکومت و ناتوانی اش در تامین ابتدائی ترین نیازهای معیشتی توده مردم، تغییر بنیادی نظام سرمایه داری در ایران را بیش از پیش به امری عاجل، ضروری، امکانپذیر، و مطلوب تبدیل کرده است.

۲- خصلت و مضمون مبارزات و جنبشهای اجتماعی علیه جمهوری اسلامی، اساسا انسانی، مدرن، چپ و رادیکال است. شعارها و بیانیه ها و منشورهای که علیه تبعیضات طبقاتی و با خواست اداره شورایی در جنبشهای توده ای طرح شده و می شود، بیانگر خواستها و اهداف عمیقا انسانی و برابری طلبانه ای است که نه تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه با زیرو رو شدن کل نظام سرمایه داری در ایران قابل تحقق است.

۳- ابر بحران بی آبی و بی برقی و تورم و گرانی نجومی و فزاینده، که شرایط حاضر را برای توده مردم غیر قابل تحمل ساخته است، ناشی از بی لیاقتی و ناکارآمدی حکومت و مقامات دولتی نیست بلکه نتیجه اهداف و اولویتهای اقتصادی باندهای مافیائی حاکم است. "لیاقت و کارآمدی" این باندها خود را در ثروت نجومی و حسابهای بانکی آیت الله های میلیاردی و سرداران سپاه و بسیج و بودجه های نجومی ارگانهای نظامی و انتظامی و مذهبی حکومت نشان میدهد.

۴- سرمایه داری در جمهوری اسلامی در خدمت منافع اقلیت ناچیزی قرار دارد که با رانت حکومتی و اختلاس و دزدی و چپاول، ثروتهای نجومی اندوخته است. این اقلیت چپاولگر در هیات باندهای مافیائی نظیر بیت رهبری، سپاه و بسیج، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرائی فرمان امام، آستان قدس رضوی و غیره بخش اعظم سرمایه ها و منابع ثروت اعم از مستغلات و معادن و جنگلها و آب و زمین و صادرات و واردات و مراکز تولیدی و تجاری و خدماتی را در اختیار دارد. بسیاری از بخشهای دیگر سرمایه هم بطور مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه با این باندها و مراکز حکومتی قرار دارند و بر این بستر میتوانند فعالیت و سودآوری داشته باشند.

۵- فساد و دزدی و اختلاس و چپاول و قاچاق و رانتخواری و معافیت مالیاتی و رانت ارزی و معاملات و مزایده مناقصه های معماری شده و غیره جزئی از کارکرد نهادینه شده سرمایه داری در جمهوری اسلامی است. دار و دسته های مافیائی حاکم بر اقتصاد ایران حتی بنا بر مقررات و قوانین خود جوامع سرمایه داری، مجرم محسوب میشوند و باید اموالشان مصادره شود. این شرایط مصادره بخش اعظم سرمایه ها و منابع تحت مالکیت باندهای فاسد مافیائی و مراکز دولتی، را به امری ضروری و مطلوب و مقبول در افکار عمومی جامعه تبدیل کرده است.

۶- از تفاوت فاحش بین ثروت نجومی یک اقلیت ناچیز با فلاکت عمومی توده مردم گرفته تا ستم مذهبی، تبعیض جنسیتی، ستم ملی، نژادپرستی و قومی گرانی، نقض ابتدائی ترین حقوق مردم، سرکوب و دیکتاتوری، تخریب محیط زیست و غیره و غیره همه از نتایج و از ضروریات کارکرد نظام سرمایه داری در ایران هستند. علت و ضرورت تمام این تبعیضات و ستمها و فقر و سرکوبی که در جامعه بیداد میکند نهایتا عبارتست از تامین منافع عده معدودی سرمایه دار در باندهای مافیائی حکومتی و وابسته به حکومت که ثرویشان از پارو بالا میرود.

۷- جمهوری اسلامی ارتجاعی ترین، فاسد ترین و چپاولگرترین حکومتی است که جامعه معاصر ایران به خود دیده است ولی اختناق و دیکتاتوری و سرکوب و بی



بیانیه پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد پیرامون چشم انداز توقف کشتار و نسل کشی در غزه

دو سال پس از حمله گروه اسلامی حماس به اسرائیل و کشتار و گروگانگیری صدها تن از شهروندان این کشور، و دو سال پس از لشکر کشی دولت اسرائیل به غزه و دست زدن به بزرگترین نسل کشی و جنایت قرن که نزدیک به ۷۰ هزار نفر را قربانی کرد و درد و رنج و آوارگی را به مردم بی پناه تحمیل کرد، اکنون خبرها حاکی از موافقت حماس و اسرائیل با طرح صلحی است که دولت ترامپ پیشنهاد کرده و انرا سرپرستی میکند. دنیا قطعاً از توقف فوری جنگ استقبال می کند چرا که هر یک روز توقف زودتر این کشتار و آدم کشی بی رحمانه، به معنای نجات دهها نفر از مرگ و نیستی است و علیرغم هر هدفی که طرفین از این طرح و موافقت با آن دارند، باید از توقف این جنایت عظیم قرن اگر بطور واقعی متوقف شود، استقبال کرد.

"قهرمانان صلح" امروز، طراحان و دست اندرکاران اصلی تراژدی و نسل کشی در غزه هستند. نام تئانیاهو که امروز دستور توقف پیشروی ارتش در غزه را صادر کرده، در کنار هیتلر و موسولینی و پینوشه و دیگر جانان تاریخ ثبت خواهد شد و محاکمه او به جرم جنایت علیه بشریت بی تردید روزی عملی خواهد شد. دولتهای آمریکا طی این دو سال تماماً از جنایات دولت تئانیاهو حمایت و پشتیبانی کردند و با کمکهای نظامی و مالی دست و دل بازانه، در این پاک سازی قومی فعالانه سهیم شدند.

تراژدی تکان دهنده و غم انگیز غزه باید بشریت را به جستجوی راهکارهایی برای پیشگیری از تکرار چنین فجایعی ممصم تر کند. تا زمانی که نیروهای فاشیستی و ضد بشری و ارتجاعی ای نظیر تروریستهای حماس و حزب الله، و جمهوری اسلامی و دست راستی های اسرائیل و آمریکا بازی کتان صحنه سیاست باشند، بشریت نمی تواند نفس راحتی بکشد و احساس امنیت کند. تا آنجا که به بحران فلسطین مربوط می شود، با کوتاه کردن دست نیروهای

ارتجاعی اسلامی و فاشیسم اسرائیلی راه برای تحقق راه حل دو کشور مستقل، سکولار و مبتنی بر حقوق برابر فلسطینی اسرائیلی - هموار خواهد شد. تنها در چنین شرایطی، مردم فلسطین و اسرائیل امکان می یابند بدور از جنگ، خشونت و خونریزی در کنار هم زندگی کنند.

از نظر ما سرنگونی جمهوری اسلامی که در چشم انداز نزدیک جامعه ایران قرار دارد، معادلات سیاسی در منطقه و جهان را دگرگون خواهد کرد. این تحول به زیان راست افراطی در اسرائیل و جنبش تروریسم اسلامی، و به سود آزادی، سکولاریسم، تمدن و انسانیت خواهد بود. حذف جمهوری اسلامی بعنوان سرمنشا اسلام سیاسی و یکی از بازیگران اصلی این منازعه، به حذف جریان افراطی و فاشیستی از صحنه سیاست اسرائیل نیز کمک خواهد کرد و زمینه های جدیدی برای حل و فصل اساسی یکی از قدیمی ترین منازعات بین المللی را فراهم خواهد نمود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ مهرماه ۱۴۰۴ - ۲۰۲۵ - ۱۳ مهرماه ۱۴۰۴

نفع مردم و در خدمت رفاه عمومی مصادره شود. اداره و مدیریت این منابع و مراکز تولیدی به عهده شوراهای مردم است.

ج - خلع ید اقتصادی فوری دارودسته های مافیائی حکومت نقطه آغاز روند امحای سرمایه داری در ایران است. در جمهوری سوسیالیستی بخشها و رشته های مختلف تولیدی و خدماتی بتدریج از سلطه سرمایه ها خارج میشود و تحت کنترل و مدیریت شوراهای قرار میگردد.

چ - از نظر سیاسی و اجتماعی تضمین آزادیهای بی قید و شرط و تامین امکان برخورداری از این آزادیها برای عموم مردم، برسمیت شناسی حقوق انسانی و برابر برای شهروندان و امکان استفاده از این حقوق، یک امر و هدف محوری جمهوری سوسیالیستی است.

ح - از نظر اقتصادی هدف سوسیالیسم عبارتست از امحای نظام سرمایه داری و ممنوعیت بردگی مزدی و استثمار، لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و رفع تبعیض طبقاتی و کلیه تبعیضات مذهبی و ملی و نژادی و جنسی و جنسیتی که ریشه در تبعیض طبقاتی دارد.

قانون اساسی ایران بعد از جمهوری اسلامی باید بر مبنای موازین و سیاستهای فوق تدوین و تصویب شود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مهرماه ۱۴۰۴، ۴ اکتبر ۲۰۲۵

امکان، مطلوبیت و مبرمیت سوسیالیسم ... از صفحه ۴

رایگان شهری از اولین اقدامات جمهوری سوسیالیستی برای تامین رفاه عموم مردم است.

پ - هر شهروند حق دارد از بدو تولد از حقوق پایه مکفی برای تامین زندگی خود برخوردار باشد. حقوق پایه مستقل از شغل و موقعیت اقتصادی افراد به آنان تعلق میگیرد.

ت - بودجه اقدامات رفاهی فوری از محل بودجه های کلان پروژه های نظامی و امنیتی، کمکهای میلیاردی به نیروهای نیابتی، مراکز مذهبی و ارگانها و دارودسته های سرکوب، یعنی هزینه های نجومی کلیه مراکز و دستگاههای پلیسی - نظامی - مذهبی - اطلاعاتی حکومت که ملغی شده است، تامین میگردد.

ث - خلع ید سیاسی از جمهوری اسلامی عملاً با خلع ید اقتصادی از بخش عمده سرمایه داران در ایران همراه است. سرنگونی جمهوری اسلامی به معنی انحلال شرکتها و کارتلها و موسسات تولیدی و خدماتی که متعلق به باندهای مافیائی حکومتی هستند نیز هست. این دارو دسته ها باید بجرم دزدی و اختلاس و چپاول به محاکمه کشیده شوند و اموال و سرمایه های آنها به





قطعنامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در مورد بن بست جمهوری اسلامی

۶- تحولات پس از ۷ اکتبر موقعیت خامنه ای در میان صفوف حکومت را بسیار تضعیف کرده است. این امر به نوبه خود عامل مهمی در به هم ریختگی و بی افقی حکومت و عدم انسجام اظهارات و موضعگیری های مقامات حکومتی است.

۷- فلج و بن بست اقتصادی که خود را در ابر بحران های بی آبی و بی برقی و تورم نجومی و سقوط آزاد ارزش ریال و تعطیلی گسترده فعالیتهای تولیدی نشان میدهد گرچه در نتیجه شرایط جنگی و تشدید تحریمها حادث شده است ولی حاصل سیاستهای جمهوری اسلامی است. جنگ و تحریم خود در سیاستهای ضد غربی حکومت ریشه دارد. بحران اقتصادی معیشتی امروز نتیجه سرمایه داری دزد سالار و فاسدی است که خود در انزوای جهانی حکومت شکل گرفته است. هر نوع سازش و یا تسلیم به شرایط غرب در بن بست اقتصادی حکومت و وضعیت فلاکتبار معیشتی توده مردم بهبودی نخواهد داد.

۸- در شرایط حاضر هدف غرب توقف پروژه هسته ای و آمریکا-اسرائیل ستیزی و روآوری حکومت به تعامل با غرب است. آمریکا و اسرائیل و کل دول غربی میتوانند به یک جمهوری اسلامی هرس شده از سیاست و جهتگیری ضد آمریکائی-ضد اسرائیلی رضایت بدهند. اما آنچه این تغییر جهت اساسی را برای حکومت بسیار خطرناک و دشوار میکند موقعیت رژیم در خود ایران است. استراتژی مرگ بر شیطان بزرگ برای حکومت از همان مقطع تسخیر سفارت آمریکا اساسا کاربرد سرکوب و عقب راندن مبارزات مردم را داشته است و بویژه امروز که رژیم با جنبش عظیم زن زندگی آزادی مواجه است این تغییر ریل عملا تیر خلاص به پیکر نیمه جان حکومت و نظام حاکم خواهد بود.

۹- در چنین شرایطی انقلابی که با جان باختن مهسا زینا امینی در شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد در ابعاد یک جنبش سرنگونی طلبانه رادیکال و گسترده با پرچم زن زندگی آزادی ادامه دارد. انقلاب و جنبش زن زندگی آزادی تا همین جا نقش تعیین کننده ای در شکل دادن به روند تحولات، رابطه جمهوری اسلامی با غرب، موقعیت منطقه ای رژیم، و کشاکش جناحها داشته است و این جنبش است که در نهایت جمهوری اسلامی را زیر بار تناقضاتش خرد خواهد کرد و به آینده جامعه شکل خواهد داد. منشورها و بیانیه ها و شعارها و تشکلهای فعال در جنبش انقلابی زن زندگی آزادی، نیروی تعیین کننده نه تنها در سرنگونی جمهوری اسلامی، بلکه در دوره گذار و در شکل دادن به آینده ایران خواهند بود.

با توجه با نکات فوق حزب بر نقش تعیین کننده انقلاب زن زندگی آزادی، دستاوردهای سیاسی و تشکیلاتی اش و برافراشته نگاهداشتن پرچم این انقلاب تاکید میکند و برای هماهنگ و همراه کردن فعالین و نهادهای کوشنده در جنبش زن زندگی آزادی در همه عرصه های مبارزه در خارج و داخل کشور و حمایت این نهادها از بیانیه ها و فراخوانهای یکدیگر و انتشار بیانیه های مشترک تلاش میکند.

حزب با تمام توان خود برای نمایندگی شدن صف انقلاب در دوره گذار و تعیین تکلیف نظام بعدی میکوشد و تشکیل یک سازمان چتری سراسری از جمع ها و نهادها و شوراهای شبکه های فعال در انقلاب زن زندگی آزادی را بمنظور تقویت هرچه بیشتر این جنبش در روند سرنگونی حکومت و تضمین نقش مستقیم مردم در

۱- نظام جمهوری اسلامی بر پایه یک تناقض بنا شده است: تناقض میان غربستیزی با ملزومات جهانی کارکرد سرمایه در ایران و تامین ابتدائی ترین نیازهای معیشتی مردم. ویژگی اصلی شرایط سیاسی امروز ایران اینست که این روند که از بدو بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی تا امروز ادامه داشته است اکنون به انتهای خود رسیده است و دیگر قابل ادامه نیست. این تناقض تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی میتواند حل شود.

۲- با سقوط رژیم اسد و ضربه خوردن و تضعیف شدید نیروهای نیابتی رژیم، اکنون پروژه هسته ای و غنی سازی اورانیوم به محور تنش بین دول غرب و جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این کشاکش میتواند به تسلیم جمهوری اسلامی و تن دادن به شرایط دول غربی، و یا برعکس، به مقاومت در برابر شرایط غرب و تداوم برنامه هسته ای و موشکی، و در نتیجه تشدید تحریمها و تهاجم نظامی دیگری منجر شود. مواضع و گفته های ضد و نقیض خامنه ای و سایر مقامات حکومتی نشانه بلاتکلیفی و کشاکش جناحهای حکومتی بر سر این دو راهی است. در هر دو حالت رژیم در مقابله با جنبش انقلابی مردم به موقعیتی ضعیف تر و درمانده تر و بحران زده تر رانده خواهد شد.

۳- تن ندادن جمهوری اسلامی به شرایط تروئیکا و آژانس اتمی و فعال شدن مکانیسم ماشه نشانه دست بالا پیدا کردن خط مقاومت در برابر دول غربی و ادامه سیاست غربستیزی در جمهوری اسلامی است. این امر از یکسو با تشدید تحریمهای اقتصادی شرایط معیشتی توده مردم را به مراتب وخیم تر و غیر قابل تحمل تر میکند و از سوی دیگر به انزوای بیشتر حکومت در دنیا منجر میشود، به فضا و تنش جنگی دامن می زند و حمله نظامی را محتمل تر می سازد.

۴- از یکسو حکومت قادر نیست از استراتژی غرب ستیزی و ملزومات آن، پروژه هسته ای و تقویت نیروهای اسلامی ضد غربی - ضد اسرائیلی در منطقه و موشکهای بالستیک و کلا برنامه موشکی خود، دست بکشد. این امر هم بخاطر نفی هویت و مبانی استراتژیک حکومت و هم از نظر تناقض با منافع باندهای مافیائی حکومت که در شرایط تحریم و انزوای اقتصادی رژیم شکل گرفته و ثروت نجومی و سلطه خود بر بخش اعظم اقتصاد ایران را مدیون غربستیزی حکومت هستند، با نفس موجودیت و ساختار جمهوری اسلامی مغایر است.

از سوی دیگر شکست و ورشکستگی نظامی-سیاسی خط مقابله با آمریکا و اسرائیل، و فلج کامل و ابر بحرانهای اقتصادی، بی آبی و بی برقی و تورم و گرانی فزاینده، ادامه این شرایط را برای حکومت بسیار دشوار کرده است. رژیم در موقعیت باخت باخت قرار گرفته است.

۵- تناقضات پایه ای رژیم در کشمکشهای جناحی حکومت نیز بازتاب می یابد. از نظر خامنه ای و اصولگرایان وفادار به او، همانطور که اخیرا عراقچی اعلام کرد، جنگ در مقایسه با دست شستن از پروژه هسته ای زیان کمتری دارد. جناح خامنه ای امیدوارست و تلاش میکند جنگ و فضای جنگی و تشدید تحریمها جامعه را به استیصال و تلاش برای قوت لایموت بکشاند و اعتراضات و مبارزات را تحت الشعاع خود قرار دهد. در مقابل، اصلاح طلبان بقای نظام را با ادامه سیاستهای ضد غربی ناممکن میدانند. این جهت گیری در تاکید ظریف بر تغییر پارادایم ضد آمریکائی، در بیانیه موسوی و جبهه اصلاحات، و حتی سخنان روحانی بروشنی اعلام شده است. این عملا به معنی گذار از خامنه ای است.



بیانیه پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد سیاست فاشیستی اخراج و سرکوب آوارگان افغانستانی توسط جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای ضدبشری خود، پس از شکست مفتضحانه در جنگ ۱۲ روزه، مهاجرین افغانستانی را با ضرب و شتم و انواع اهانت و بدرفتاری و زیر پا گذاشتن عامدانه کرامت انسانی آنها آماج حمله قرار داد و یک فاجعه انسانی تمام عیار خلق کرد. جانین حاکم آسیب پذیرترین و بی دفاع ترین بخش جامعه، دو میلیون انسان یا درگریز و مستأصل را با اتهام زنی، نفرت پراکنی، پاپوش دوزی و پرونده سازی، با سناریوسازیهای نخ نما جاسوسی و معرفی آنها به عنوان مسبب مشکلات اقتصادی، همراه با ۸۰ هزار کودک به کمپهای اخراج فاقد ابتدایی ترین امکانات زیستی و بهداشتی فرستادند. حدود هفت هزار تن از این کودکان بدون سرپرست، بدون همراه و خانواده در مرزهای ناامن رها شده اند.

در تداوم این سیاست ضد بشری، اخیراً وزارت کشور و استاندار تهران دور دوم اخراجها را تسریع کرده اند. نامنویسی بخش بزرگی از کودکان با پیشینه افغانستانی در مدارس ممنوع گردید و همزمان به سمنها و نهادهای مدافع حقوق کودکان، رسماً ابلاغ گردیده است که تحت هیچ عنوانی به سوادآموزی این کودکان که به دلیل بی شناسنامه بودن بخش اعظم کودکان کار و خیابان و کودکان زباله گرداند، نپردازند. این رفتار فاشیستی نفرت انگیز از سوی بخش وسیعی از جامعه محکوم شده است. فعالان سیاسی و اجتماعی علیه سیاستهای بیشرمانه و فاشیستی جمهوری اسلامی به میدان آمدند انتشار نامه‌ای سرگشاده با امضای بیش از ۱۳۰۰ نفر از فعالین، هنرمندان و روزنامه نگاران و شهروندان ایران در اعتراض به رفتار شرم آور و ضد بشری پناهنده ستیزی جمهوری اسلامی روحیه اعتراضی جامعه و حس انسان دوستی و

همبستگی انسانی در جامعه را به نمایش گذاشت. هشتگها و بیانیه‌های محکومیت جمهوری اسلامی و انبوهی از همدردی و ابراز تنفر از رفتار شنیع جمهوری اسلامی گواه روشنی بر حس انسان دوستی مردمی است که بارها فریاد زده اند: مرگ بر طالبان چه در کابل چه تهران.

پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، رفتار فاشیستی و نژادپرستانه جمهوری اسلامی علیه افغانستانی‌های مقیم ایران را شدیداً محکوم می‌کند ما قاطعانه اعلام می‌کنیم که هیچ انسانی غیر مجاز نیست! همه مردم شریف و آزادیخواه را به حمایت فعال از آوارگان افغانستانی فرامی‌خوانیم. این سیاست تفرقه افکنانه که بخشی از استراتژی بقای حکومت ننگین اسلامی است با قدرت مردمی که انقلاب زن زندگی آزادی را خلق کرده اند، باید تماماً شکست بخورد و خنثی شود. باید همه جا در مقابل برخوردهای غیرانسانی با افغانستانی‌ها ایستاد و به هر شکل ممکن از آنها حمایت کرد، در مدیای اجتماعی باید فضا را علیه فاشیسم ضد افغانستانی‌ها تنگ کرد. این بخشی از مبارزه برای متحد شدن و مقابله با حکومت سرکوبگر اسلامی است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مهر ۱۴۰۴، ۵ اکتبر ۲۰۲۵

پیام پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

به یاد سمیه رشیدی که در قتلگاه زندان قرچک جان باخت



جان باختن سمیه عزیز را به خانواده وی و به همگان تسلیت می‌گوییم و با یک دقیقه سکوت یادش را گرامی می‌داریم.

پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مهرماه ۱۴۰۴، ۴ اکتبر ۲۰۲۵

سمیه رشیدی، کارگر خیاطی که به جرم شرکت در انقلاب زن زندگی آزادی و شعارنویسی دستگیر شده بود را آنقدر شکنجه کردند و او را به تمارض متهم کردند و به بیماری‌اش اهمیت ندادند که در روز ۳ مهر ۱۴۰۴ جان باخت و نامش در کنار نام دهها زندانی سیاسی دیگر چون بهنام محجوبی، بکتاش آبتین، جواد روحی، وحید صیادی نصیری، عادل کیانپور، هدی صابر، اکبر محمدی و شاهرخ زمانی در پرونده قتل‌های خاموش جمهوری اسلامی به ثبت رسید.

آنچه بر سمیه گذشت، داستان قتل خاموش زندانیان توسط جانین اسلامی در زندان‌هاست که همچنان جریان دارد. سمیه آخرین مورد از قتل خاموش زندانیان است اما پایان آن نیست. شکنجه جسمی و روحی، محرومیت از دارو و درمان، شرایط غیر بهداشتی و اسفناک زندان‌ها، تجاوز به زندانی، تحریک زندانیان خطرناک علیه زندانیان سیاسی و انواع فشارهای دیگر، شیوه‌های جنایتکارانه حکومت در قبال زندانیان سیاسی و برای ارعاب جامعه و عقب زدن جامعه از اعتراض و مبارزه است.

قتل سمیه با موجی از اعتراض در زندان‌ها و بیرون زندان‌ها پاسخ گرفته است. این اعتراضات باید گسترده‌تر شود و حزب کمونیست کارگری تلاش می‌کند صدای این اعتراضات در سطح جهان باشد. حکومت اسلامی بخاطر همه جنایاتش باید در سطح جهان بایکوت شود و سران آن در دادگاههای مردمی و بین المللی به محاکمه کشیده شوند. سرنوشتی جمهوری اسلامی تنها راه پایان دادن به این چرخه جنایت و کشتار است.

از صفحه ۶

بن بست جمهوری اسلامی...

دوره گذار و آینده سیاسی جامعه در دستور کار خود قرار می‌دهد. حزب با تاکید بر خلع ید اقتصادی از باندهای مافیائی حکومت و سپردن کنترل و اداره سرمایه‌ها و منابع و مراکز تولیدی و اقتصادی آنها به مردم متشکل در شوراهای تشکلهای نوع شورائی در فردای سرنوشتی حکومت، اعلام می‌کند سوسیالیسم تنها راه از بین بردن شکاف عظیم طبقاتی بین فقر و ثروت و برقراری آزادی و برابری و رفاه در ایران بعد از جمهوری اسلامی است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مهر ۱۴۰۴ - ۵ اکتبر ۲۰۲۵



بیانیه پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

سوسیالیسم یا بربریت!

هیچ راه دیگری برای حل معضلات عمیق اقتصادی بجز نابودی بردگی مزدی و نظام مبتنی بر سود یک اقلیت طفیلی وجود ندارد. ادامه سلطه سرمایه‌داری در ایران با هر شکل و ظاهری یعنی بربریت، یعنی تداوم فقر و نابرابری، تداوم انواع تبعیضات و ریاضت‌کشی اقتصادی و چنین نظامی راهی جز سرکوب خشونت‌بار و بی‌حقوقی برای اکثریت مردم نخواهد داشت. مردمی که هر روز دست به اعتصاب و اعتراض و خیزش می‌زنند، منشور و بیانیه منتشر می‌کنند، شعار می‌دهند و خواهان غنی‌سازی زندگی خود هستند اجازه نمی‌دهند که بار دیگر امکانات این جامعه در اختیار مفتخوران دیگری، اینبار بدون ریش و عمامه، قرار گیرد. مردم خواهان پایان دادن به حکومت اقلیت و حکومت آقابالاسر هستند و انقلاب می‌کنند تا خود اداره تولید و خدمات و اداره سیاسی کشور و اداره همه چیز را خود به دست گیرند تا همه امکانات در خدمت رفاه عموم جامعه قرار گیرد.

سوسیالیسم مورد نظر ما، یعنی عملی شدن آرزوهای قلبی و انسانی مردم. سوسیالیسم نظامی است با بالاترین سطح رفاه عمومی، بیشترین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و مدنی، عاری از هر نوع تبعیض و نابرابری، با مرزهای باز به روی دنیا و سیاست و جهت‌گیری مسالمت‌آمیز در منطقه و در جهان. نظامی مبتنی بر آخرین دستاوردهای علمی، تکنولوژیک، فرهنگی، اجتماعی، فلسفی و هنری جامعه بشری که تاریخاً در غرب ریشه دارد نظامی سرشار از شکوفایی، شادی و خوشبختی همگانی، نظامی که با مشارکت عموم مردم و به دست گرفتن قدرت توسط مردم عملی می‌شود. هیچ چیز در دوره پیشرفت‌های شگرف علم و تکنولوژی تولید و ارتباطات اجتماعی کنونی، منطقی تر از گام گذاشتن در جهت ریشه کردن کامل فقر و تمام تبعیضات طبقاتی و استثمار و استثمار و استثمار نیست. تحقق این امر منوط به آگاهی و باور ما مردم به قدرت خویش و عزم واقعی ما برای دستیابی به زندگی انسانی است که حق بی چون و چرای تک تک انسان‌هاست.

سرنگون باید جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۳ مهر ماه ۱۴۰۴، ۵ اکتبر ۲۰۲۵

آنچه بر جامعه و مردم ایران حاکم است، بدترین نوع توحش و بربریت سرمایه‌داری است. فقر و فلاکت کشنده، اعدام‌های هر روزه، یکه تازی دستگاه مذهب و خرافه، زندان‌هایی که پر از عزیزان مردم است، تبعیض و ستمگری بر بخش‌های مختلف مردم به بهانه‌های مختلف، تخریب محیط زیست و تحقیر و سرکوب و نا امنی زندگی عموم مردم. اساس این توحش از سیستم اقتصادی ای ناشی می‌شود که بر استثمار اکثریت مردم توسط اقلیتی یک درصدی استوار است. در این سیستم مردم اسیر فقر و بی احترامی و بی اختیاری و نا امنی مداوم هستند. زندگی انسانی در چنین سیستمی بی معناست. همه چیز زیر سیطره یک مشت دزد و جانی و عقب مانده اسلامی است که ارزشی برای زندگی و جان انسان‌ها قائل نیستند. این وضعیت می‌تواند و باید از اساس تغییر کند. ما مردم سزاوار زندگی و دنیای بهتری هستیم. زندگی شایسته انسان در این کشور می‌تواند با انقلاب ما مردم، با دست‌های ما مردم، و با اراده ما متحقق شود. قاتلان و اختلاسگران و میلیاردهایی که با خون کارگران و مردم، و با استثمار و اختلاس و رانت خواری و مصادره و تصاحب ثروتهای عمومی ارتزاق می‌کنند باید از راس جامعه تماماً جارو شوند. جامعه ای برابر و آزاد و شاد و انسانی ممکن و مبرم و حیاتی است و این نه از بالای سر مردم، بلکه بادهست‌های خود ما مردم می‌تواند ایجاد و برپا شود.

برای دستیابی به زندگی مرفه و شاد انسانی باید حکومت غارتگران اسلامی را سرنگون کرد، دست این طفیلی‌ها را از ثروت و امکانات این جامعه کوتاه نمود و نظامی بدون استثمار و بردگی مزدی، بدون فقر و محرومیت، بدون سرکوب و بی‌حقوقی و بدون دخالت مذهب در زندگی مردم سازمان داد. نظامی با بالاترین سطح رفاه عمومی و مبتنی بر برابری و آزادی‌های همه‌جانبه سیاسی و اجتماعی و عاری از هر گونه تبعیض.

باید ثروتها و سرمایه‌های افسانه‌ای که در حال حاضر در دست سپاه، بیت رهبری، آستان قدس، بنیاد مستضعفان، نهادهای مذهبی و سایر نهادهای مافیایی است را بطور کامل مصادره کرد و تحت اداره شوراهای مردم و در خدمت رفاه مردم قرار داد. باید دست کلیه استثمارگران را از موسسات تولیدی و اقتصادی کوتاه کرد، استثمار را ممنوع نمود و اداره این موسسات را به مردم متشکل در شوراهای سپرد تا تولید بر اساس نیازمندی‌های جامعه سازمان داده شود.

تجمعات کارگران رسمی در چندین سکوی نفتی در مناطق عملیاتی نفتی

آوردند. در این حرکت اعتراضی کارگران شعار میدادند "فرماندار، استاندار، نوکر بی اختیار"، و "همشهری به هوش باش، اهواز صاحب ندارد".

کارگران گروه ملی فولاد اهواز خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه مرداد و شهریور، راه اندازی خطوط تولید تعطیل شده، بیمه تکمیلی مناسب و پرداخت به موقع بیمه‌های خود هستند. این کارگران به مدیران فاسد این شرکت که وضع تولید را به بحران کشانده و حقوق کارگران را بالا میکشند معترض هستند.

گروه ملی فولاد اهواز همواره یک کانون داغ اعتراضات کارگری بوده و یک نقطه قدرت آن در سازماندهی اعتراض بزرگ و اتکا به تصمیم‌گیری در مجمع عمومی است. حزب کمونیست کارگری بر حمایت دیگر مراکز کارگری و بخش‌های مختلف مردم در شهر اهواز از اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز و همبستگی سراسری با این کارگری تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۷ مهر ۱۴۰۴ - ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵

امروز هفتم مهرماه بار دیگر خیابانهای اهواز به صحنه اعتراض و راهپیمایی شمار زیادی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز تبدیل شد و شعارهای اعتراضی آنان بر فضای خیابان‌ها طنین انداخت. کارگران شعار می‌دادند "کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد".

کارگران گروه ملی فولاد بیش از دو هفته است که در اعتراض بسر می‌برند و امروز با اولتیماتومی از قبل اعلام شده ابتدا در مقابل استانداری تجمع کردند و بعد در صفی گسترده و بزرگ به سوی فرمانداری راهپیمایی کرده و شعارهای اعتراضی سر دادند. در بازار اهواز و مقابل فرمانداری کارگران معترض خشمگینانه پاسخ نیروی انتظامی را میدادند و به اعتراض ادامه می‌دادند. مقصد بعدی آنها راهپیمایی به سوی ساختمان مدیریت بانک ملی استان و تجمع در مقابل آن بود. در صف این اعتراض کارگرانی از مراکز دیگر کارگری در شهر اهواز از جمله از کارگران نفت و همچنین شماری از کارگرانی که از شهرهای اطراف آمده بودند، نیز شرکت داشتند و بار دیگر کارگران گروه ملی فولاد اهواز با اعتراض قدرتمند خود این شهر را به تحرک در

مردم با طرح کالابری الکترونیکی فریب نمی خورند - مهران محبی

طلبی های رژیم در دوره های طولانی ده ها ساله از طریق طراحی و فعالسازی پروژه های تروریست پروری، ساخت بمب هسته ای و توسعه موشکی جمهوری اسلامی است که برای حفظ بقاء خود در برابر خطر انقلاب در داخل به آن ها متوسل شده است.

مردم با همه این واقعیات آشنا هستند و می دانند بانی و باعث همه مشقات و معضلات اقتصادی و معیشتی از 46 سال پیش تا حالا حکومت دزدان و تروریست های آدمکش اسلامی است و امروز کار را به جانی رسانده اند که میلیون ها انسان آرزوی داشتن یک سرپناه، آرزوی خوردن یکبار غذای گوشتی و آرزوی تحقق صدها رویای دیگر که حتی برای کارگران و زحمتکشان در کشورهای کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه مانند ترکیه هم امروز دیگر دست یافتنی شده اند، هستند.

جمهوری اسلامی که سال هاست توان خود را در مهار تورم و کنترل قیمت کالاها از دست داده و حالا به طور کامل دست بسته و مطلقا درمانده شده و در وحشت از شعله ور شدن خشم مردم و برپا شدن خیزش انقلابی مجدد است، به عبث سعی می کند با دادن کارت الکترونیکی خرید به مبلغ 250 هزار و 350 هزار تا 500 هزار تومان به هر نفر از دهک نهم به پائین، جامعه را راضی و آرام کند. این رژیم جنایتکار و ضد زندگی و ضد رفاه عمومی مردم در حالیکه همین حالا خط فقر به 60 میلیون و 70 میلیون و حتی بالاتر برای هر خانواده 4 نفره رسیده و هر ماه ممکن است تا ده میلیون تومان و شاید هم بیشتر به آن اضافه گردد، هیاهو براف انداخته که می خواهد چنین طرحی را برای کاستن از دغدغه های معیشتی جامعه اجرایی کند و معلوم است که مردمی که جمعیت اش 80 تا 90 درصد از کل یک جمعیت 90 میلیونی است، چنین کمک هزینه تحقیرآمیزی و چنین کالابری را بر سرش خواهند کوبید.

جامعه ای که نزدیک به نیم قرن است حتی یک روز جمهوری اسلامی را به حال خود رها نکرده تا با خیال راحت جنایت و چپاول کند و با ثروت و دسترنج مردم تروریست پروار کند و ماجراجوئی و جنگ افروزی، و غنی سازی و غیره کند، امروز که این دشمن اصلی خود را در موقعیت شکست خورده مطلق و رو به سقوط و سرنگونی می بیند، دیگر به این می اندیشد که آخرین ضربه مرکبار را بر پیکرش بکوبد. گسترش اعتراضات کارگری در این ایام اخیر بیانگر این اوضاع هستند. کارگران مراکز نفت و گاز در حالی که اعتراضات و اعتصابات هفته ای خود را با قدرت ادامه می دهند در تازه ترین بیانیه ای که کارکنان بهره برداری و تعمیرات و ایمنی 38 سکوی گازی پارس جنوبی صادر کرده اند، اعلام کرده اند که از روز 19 مهر 4 مورد فعالیت خود را متوقف خواهند کرد و بعلاوه اولتیماتوم داده اند در صورت مشاهده نشدن حذف کامل سقف حقوق در فیش های حقوقی شان هیچ کس از کارکنان رسمی سوار بر هلیکوپتر سکوها نخواهد شد. بازنشستگان که سالهاست بی وقفه تجمعات اعتراضی هفتگی برگزار می کنند، مخصوصا بازنشستگان تأمین اجتماعی و شاغلان و بازنشستگان فرهنگی از چند هفته پیش در شهرهای زیادی با جمعیت های بیشتر و با شعارهای رادیکالتری در تجمعات شرکت می کنند و نمونه دیگری مانند راهپیمائی های دو هفته ای خیابانی و باشکوه چند هزار نفری کارگران فولاد خوزستان است که مشروط به تحقق مطالبات معیشتی شان آن را پایان داده اند، همه اوضاع تعرضی جامعه نسبت به حکومت را بازتاب می دهند که نشان می دهد حکومت با هیچ عوامفریبی و اقدام به پرداخت کمک هزینه تحقیرآمیزی نمی تواند خود را از سرنگونی به دست مردمی که به ته دره فقر و گرسنگی پرتاب کرده، نجات دهد.

جمهوری اسلامی در اوج درماندگی خود برای کاستن از فشار اعتراضات اکثریت مردم کارگر و زحمتکش و کم درآمد و بی درآمد نسبت به گرفتاری ها و تنگناهای سفت و سخت معیشتی عیله خود، قرار است طرح کور و بی افق کالابری الکترونیکی را برای 9 دهک از جمعیت بکار بگیرد. طرح کالابری الکترونیکی چند ماه است که برای 7 دهک پائینی اجرائی شده و رژیم به خیال خود می خواهد به عنوان یک راه حل اقتصادی برای کمک به معیشت مردم به دنبال فعال شدن مکانیسم ماشه و تشدید بی سابقه گرانی، آن را به دو دهک دیگر گسترش دهد.

استفاده از کوپن (در گذشته) و کالابری الکترونی (امروز) توسط هر حکومت سرمایه داری و از نظر اقتصادی بحران زده و به بن بست خورده ای که معمولا ناشی از شرایط جنگی است، یکی از آخرین راهکارها برای کنترل بحران معیشتی است که به تجربه ثابت شده که همین راهکار خود به عمیق تر شدن بحران کمک کرده است. علت اش هم این است که در اقتصاد سرمایه داری پول به عنوان نماد آن وجود دارد و ابزار مبادله است. از اینرو کوپن یا کالابری که نماد مقادیر معین کالا هستند را قابل خرید و فروش می کند و از آنجا که معمولا فقط چند قلم کالای خوراکی یا بهداشتی از طریق کوپن و کالابری عرضه می شوند، خانواده ها ناچارند که برای تهیه اقلام ضروری تر کالابری خود را نقدا بفروشند که این خود برای دلالان و کاسبان میدان فعالیت باز می کند.

در مورد ایران در دوران جنگ 8 ساله همه کسانی که بالای 50 سال سن دارند حتما به یاد دارند که خرید و فروش کوپن چه بازار حاشیه ای پر رونقی ایجاد کرده بود. امروز نیز با عملی شدن طرح کالابری الکترونیکی که فقط مقدار بسیار ناچیزی از دوازده قلم کالا با مجموع ارزش 350 تا 500 هزار تومان در ماه برای هر نفر که حتی معادل قیمت یک کیلو لوبیا قرمز در بازار آزاد هم نیست، حتی اگر مانند دهه 60 بازار دیگری برای دلالان و کاسبان کالابری باز نکند، هیچ کمکی به معیشت مردم نمی کند. طبق آمار رسمی مبلغ معادل خط فقر تا مرداد 1404 بیشتر از 48 میلیون تومان بوده و طبعا حالا که قیمت کالاهای اساسی مانند خوراکی و داروئی نسبت به آن زمان از 50 تا 200 درصد گرانتر شده اند، خط فقر اگر چنانچه معیارهای حکومتی را هم مبنا قرار دهیم از 60 میلیون و 70 میلیون تومان عبور کرده است.

تا اینجا موضوع به کارکرد کوپن و کالابری الکترونیکی و نقشی که در زندگی دریافت کنندگان آن دارد و به تبع آن بازار سیاهی که ایجاد می کند، مربوط بود. اما عوامل و عللی که باعث پیدایش کوپن و کالابری می شوند نیز خود حائز توجه هستند. همانطور که توضیح داده شد کوپن یا کالابری الکترونیکی امروزی پدیده هائی ناشی از بحران های سنگین اقتصاد سرمایه داری در نتیجه جنگ ها هستند.

یک نمونه از این بحران های اقتصادی که ما مردم ایران تجربه کرده ایم، در جریان جنگ 8 ساله اتفاق افتاد که جمهوری اسلامی خود عامل وقوع آن جنگ بود. اما ابر بحران اقتصادی امروز در جامعه ایران حاصل آن نوع از جنگ میان دو طرف دولت حاکم بر سرزمین های دو طرف یک خط مرز مشترک نیست، بلکه نتیجه ادامه همان جنگ

**به حزب کمونیست
کارگری پیوندید!**

تلگرام: @wpi_tamas
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲
tamas.wpi@gmail.com

گریزان از جنبش سیاسی؛ مبارزات کارگری یا چپ سنتی؟ یاشار سهندی

با خود قرار گذاشتند که "آگاهی طبقاتی" بینندگان خود را بالا ببرند، چنان زمخت و بی روح به، مثلا انقلاب اکبر و یا جنبش کارگری یا زندگی مارکس میپردازند که بیننده گرفتار در کابوس جمهوری اسلامی بی تامل کانال را عوض میکند... حرف زیاد است، اما بگذریم!

به بحث اصلی برگردیم. فرض کنید یک کارگر که حقوق اش را نگرفته است، یا دریافت کرده، اما چیزی کف دستش نمانده است که اول ماه را به آخر ماه وصل کند؛ از صبح هم سرکار با همکاران بر سر همین موضوعات، سر هم را درد آورده اند؛ و با کارفرما سر حقوق و زندگی اش بگو و مگو کرده است. به هنگامی که اعصاب خوردش را به خانواده تحمیل کرده است، و فرض میگیریم کمی هم مسایل اجتماعی برایش مهم است و میخواهد ببیند دنیا دست کی هست، نگاهش به عنوان برنامه فوق می افتد. تنها چیزی که بر زبان خواهد آورد این است که "برو بابا دلت خوشه!". یا کارگر و یا بازنشسته ای که صبح کف خیابان در تجمع اعتراضی، زیر نگاه غضبناک سرکوبگران شرکت داشته است، و سخت امیدوار است کاری را دارد پیش میبرد، عنوان فوق تنها این حس را به او انتقال میدهد که تلاشهای او بی ثمر و بی معنی است.

همیشه تاکید شده که مبارزات کارگران در ایران، سیاسی است چون مستقیما با دیکتاتوری عریان خشن سرمایه داری درگیرند نه با یک کارفرمای معین، ببخشید کارآفرین محترم! در ایران اعتصاب رسما ممنوع است اما با همین مبارزات پراکنده اما وسیع کارگران اعتصاب عملا به قانون تبدیل شده است. این یعنی رخ در رخ حکومت بودن، این یعنی جنبش سیاسی. جز تشکیلات سیاه و سرکوبگر حکومتی هیچ تشکلی در قانون کار این حکومت به رسمیت شناخته نشده است. اما اولین اقدام کارگران به هنگام مبارزه تشکیل مجمع عمومی به عنوان پایه شورا است. این یعنی تحمیل اراده سیاسی کارگران به حکومت. دیگر لازم نیست به بیانیه ها و منشورهای فعالین کارگری در بطن تحولات در سالهای اخیر اشاره کنیم که رسما و علنا با درخواستهای که مطرح کردند یعنی جمهوری اسلامی باید برود و این یعنی جنبش سیاسی.

به نظر میرسد که تهیه کننده برنامه فوق اشاره اش به این است که چرا مبارزات کارگران شکل مبارزه مستقیم ضد حکومت به شکل اعتراضات و تظاهرات توده ای به خود نمی گیرد. پیش از هر چیز به تهیه کننده و این تلویزیون خاص که به حزب سیاسی خاصی متعلق است باید گفت: شما وقتی انقلابی که جاری است به رسمیت نمی شناسید، خیلی به سختی میپذیرید که خیزش انقلابی است و انقلاب زن زندگی آزادی را انقلاب فرهنگی میدانید، این خود شما باید که از جنبش سیاسی فراری هستید وقتی که مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی سرمایه را تحقیر میکنید به وقتی که حزب کمونیستی دیگر، را "سرنگونی طلب" معرفی میکنید.

کارگران در کف خیابان و کارخانه مستقیما با یک رژیم سرکوبگر خشن اسلامی درگیر هستند، شعارهایی چون منزلت و معیشت حق مسلم ماست، غنی سازی زندگی حق مسلم ماست را فراگیر کرده اند. اگر اینها نشانه یک جنبش سیاسی، آنهم از نوع چپ و سوسیالیستی نیست، دیگر چه میتواند باشد؟ وقتی یک بخش از کارگران، یعنی بازنشستگان در کف خیابان شعار میدهند: خیابان خیابان سنگر زحمتکشان، و کف خیابان را تبدیل کرده اند به جایی که میتوان احقاق حق کرد، این یعنی راه به کل جامعه نشان دادن، این یعنی اراده توده ها باید نقش اصلی در "تصمیم سازی" را داشته باشد. دیگر از این سیاسی تر چه چیزی میتوان سراغ کرد؟

"ملزومات مبارزات کارگری برای ارتقاء به یک جنبش سیاسی" این عنوان میزگرد یکی از تلویزیونهای بخشی از کمونیستهای ایران است. سوالی با ظاهری موجه و به نظر رادیکال! اما به واقع سوالی است ناامید کننده.

این که میهمانان برنامه چی گفتن و چی شنیدن و به چه نتیجه ای رسیدن موضوع بحث ما نیست، موضوع این یادداشت خود سوال مورد بحث است. چون سوال بر این پیش فرض استوار است که مبارزات کارگری به جایی نمی رسد، در جا میزدند و در یک کلام آب در هاون کوفتن است. اما پیش از پرداختن بیشتر به این موضوع، در حاشیه لازم است به نقش رسانه ای به اسم تلویزیون اشاره ای شود و مقام آن در نزد بخشی از کمونیستهای ایران.

تلویزیون ماهواره ای یکی از ابزارهای مهم است که به لطف پیشرفت تکنولوژی در ایران کل اپوزیسیون حکومت اسلامی از آن بهره میبرد؛ و بخصوص برای ما کمونیستها که از رسانه های اصلی کلا حذف هستیم، جایگاه مهمی دارد.

البته وقتی که مبارزات کارگران و مردم زحمتکش اوج میگیرد و هیچ رقمه نمیشود خیر این مبارزات را سانسور کرد، این رسانه ها به سراغ فعالین چپ و کمونیست میروند، البته نه با عنوان یک "فعال کمونیست"، با عضو فلان حزب چپ و کمونیست (که این عنوان به نظر میرسد کاملا ممنوعه می باشد!) بلکه در بهترین حالت فعال کارگری، که ای یک چند دقیقه ای میکروفن را جلوی ایشان باز میکنند. و در موارد دیگر اگر قرار باشد مثلا نماینده ای از چپ در برنامه ای از تلویزیونها باشد، رسواترین آنها فرخ نگهدار و ملیحه محمدی هستند، یک زمانی علی علیزاده روی بورس بود، و تازگیها فردی به اسم آرش عزیزی؛ و ایشان را به عنوان نماینده چپ و کمونیستها به خورد جامعه میدهند.

همانگونه که اشاره شد تلویزیون ماهواره ای فرصت مهمی را برای ما کمونیستها فراهم کرده است، که میتواند چهره و تصویر کمونیستها و کمونیسم و سوسیالیسم را به خانه های مردم برسد.

این رسانه ملزومات خاص خودش را دارد که بتواند با مخاطبی که در خانه و در یک جمع خانوادگی نشسته است و خسته از کار و بیزار از زندگی است ارتباط بگیرد. هزینه های اداره کردن این رسانه به جای خود، اما همان تلویزیونهای از ما بهتران، با آن همه دم و دستگاه، شکل و شمایل شکیل و برنامه های پر هزینه نتوانسته اند آنگونه که تصورشان را میکردند تحلیل و نظر خود را به جامعه بقبولانند. اما یک تلویزیونی که استودیو آن بخشی از منزل مسکونی دست اندرکارانش است بسیار موفق تر بوده است.

تلویزیون اساسا رسانه ای است که در دسترس عموم هست. اما بخشی از کمونیستهای ایران گویا قصد ندارد که با "مخاطب عام" ارتباط بگیرند در عین اینکه ظاهرا موضوع شان زندگی توده مردم است. یادشان میرود که صدا و تصویرشان در خانه های مردم است. نحوه ساخت و پرداخت برنامه هایشان اساسا به گونه ای است که گویی با خودشان دارند حرف میزنند که اشتباهها در دید عموم قرار گرفته اند! از آنجا که در سیاست مایلند در حاشیه باشند، تلویزیون هم کمکی برای ایشان نیست که به متن تحولات جامعه وارد شوند.

سازمانی زمانی "فدایی خلق" بوده و به فراخور فعالیتش در ۵۰ سال پیش با نشریه معینی با بیرون از سازمان خودش (هواداران) ارتباط یک طرفه داشته است. حالا هم که به تلویزیون دسترسی دارد همان نشریه با ارتباط یک طرفه است اما به شکل یک رسانه جمعی که با دیالوگ،... دیالوگ که نه، با تک گویی که حوصله بیننده را سر میبرد!

اعتراضات کارگران رسمی و ارکان ثالث در لاوان و بهرگان و یک خبر دیگر



کارگران عبارتند از: حذف پیمانکاران و برچیده شدن شرکتهای پیمانکاری و تبدیل وضعیت استخدامی، انعقاد قرارداد مستقیم با شرکت نفت و برخورداری از امنیت شغلی و مزایای

مساوی با کارکنان رسمی یا قرارداد مستقیم و اصلاح نحوه محاسبه مزایا و اصلاح اجرای صحیح رأی شماره ۳۱۸۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و مبنای قرارداد آن برای محاسبه‌ی مزایایی مانند اضافه‌کاری، نوبت‌کاری، و جمعه‌کاری و کل دستمزد کارگران.

آخرین خبر اینکه اولیای دانش‌آموزان ۲۵۰۰ خانواری شهرک نفت جم با خواست آموزش رایگان و در اعتراض به نابسامانی وضع مدارس این شهرک فراخوان دیگری برای تجمع در ساعت پنج عصر روز یکشنبه در مقابل فرهنگسرای توحید جم در بیستم مهرماه را داده‌اند.

موضوعات اعلام شده اعتراضی این خانواده‌ها عبارتند از: شفاف نبودن نحوه محاسبه شهریه مدارس، افت کیفیت آموزش در مدارس، تراکم بالای دانش‌آموزان در کلاس‌های مدارس غیردولتی، و کمبود مدارس دولتی.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ مهر ۱۴۰۴ - ۱۱ اکتبر ۲۰۲۵

بنا بر گزارشات منتشر شده امروز نوزدهم مهر ماه کارگران رسمی شاغل در شرکت نفت فلات قاره در لاوان و همچنین در بهرگان در اعتراض به پاسخ نگرفتن مطالبات خود تجمع و اعتراض کردند. در بهرگان این کارگران مدت دو ساعت از ۷ تا ۹ صبح شبه تجمع داشته و بعد از آن تا اداره مرکزی منطقه راهپیمایی کردند.

کارگران معترض در لاوان در ادامه تجمعات روزهای گذشته اعلام کرده‌اند که ۲ روز در هفته شبه و دوشنبه از ساعت ۹ تا ۱۲ صبح در محل باشگاه کمپ منطقه حضور خواهند یافت و بر خواسته‌های خود تاکید میکنند. و اگر پاسخ نگیرند به اعتراضاتشان گسترش خواهند داد.

مطالبات کارگران رسمی سراسری است و اهم آن عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

از سوی دیگر در هجدهم مهرماه کارگران ارکان ثالث در لاوان با مطالبه برچیده شدن بساط پیمانکاران مفتخور و دیگر مطالبات خود و خلف وعده‌ها تجمع داشتند. طبق گزارشات بدنال سخنان یکی از اعضای مجلس تشخیص مصلحت نظام در خصوص عدم امکان حذف شرکت‌های پیمانکاری نفت با توجیه بار مالی آن، کارگران ارکان ثالث به خشم آمده و طی بیانیه‌ای خطاب به مسئولان اولتیماتوم دادند که اگر پاسخ نگیرند اعتراضاتشان را گسترش خواهند داد. افزایش دستمزدها و حذف پیمانکاران دوخواست اصلی این کارگران است. اهم مطالبات فوری اعلام شده این

گریزان از جنبش سیاسی؛ ...

از صفحه ۱۰

نماینده سیاسی طبقه کارگر باشند نه اینکه کارگران مبارزات خود را به یک جنبش سیاسی ارتقا دهند. اگر قرار به این باشد مبارزات کارگری به یک جنبش سیاسی ارتقا پیدا کند، معلوم نیست وظیفه کمونیستی که مدعی است در حزب کمونیستی مشکل شده، چی هست.

یک حزب کمونیستی اگر سیاسی باشد، فقط وظیفه اش رهنمود دادن در مورد ایجاد "تشکل سراسری و مستقل" نیست. (یکی از ایشان در برنامه دیگری، نقل به مضمون، گفت: از بس این را گفتیم دیگر بی معنی شده است!) بلکه سازماندهی مبارزات جاری کارگران است تا هرز نرود و بی ثمر نباشد. شش تشکل مدعی تحزب و داشتن سازمان با سابقه طولانی، که برای خودشان شورای همکاری هم ساختند، رهنمودشان در مورد این نگرانی چیزی نیست جز: "... پاسخ واقعی در این مقطع، گسترش تشکل مستقل کارگری، ایجاد شبکه‌های سراسری پیوند میان اعتصابات، و ارتقای آگاهی طبقاتی در پیوند با افق سیاسی سرنگونی کل نظم سرمایه‌داری است." این یعنی موکول به محال کردن سازماندهی مبارزات جاری تا گسترش تشکل مستقل کارگری!

و سخن آخر. بدلیل طولانی شدن این یادداشت، خواننده را را ارجاع میدهم به قطعنامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد "جنبش کارگری و ضرورت اعتصابات سراسری گسترده و همزمان"؛ که نشانگر مواجه شدن یک حزب کمونیستی جدی و سیاسی با تحولات جاری در بطن جامعه و بخصوص جنبش کارگری است؛ که بند آخر آنرا در اینجا یادآور میشویم:

"پلنوم شصت حزب کمونیست کارگری تمامی تشکلهای اکتیویست‌های کارگری - اجتماعی و تمامی فعالین انقلاب زن زندگی آزادی را به یک اتحاد سراسری برای شکل دادن به اعتصابات سراسری گسترده و همزمان، به‌عنوان یک پاسخ فوری در مقابله با اوضاع مشقت بار معیشتی و شرایط خطیر سیاسی امروز فرا میخواند و جهت به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی بر آن تاکید میکند."

اگر بیاد بیاوریم سالهای پیش بخشی از کمونیستهای ایران با این ادعا که کارگران با بزنی که معرف ایشان باشد مربوط به کدام بخش و یا کارخانه در تظاهرات نیستند، این یعنی اعتراضات به کارگران ربطی ندارد بعد حالا میپرسند چرا جنبش کارگری سیاسی نشد و ملزومات سیاسی شدن آن کدام است!

این در واقع نشانگر این است که بخشی از کمونیستهای ایران که ما به ایشان میگوییم "چپ سنتی"، "چپ غیر سیاسی" با وجود یک انقلاب سیاسی جاری در بطن جامعه سیاسی نشده و هنوز در دنیای جنگ سردی و مبارزه مخفیانه گیر کرده‌اند. هنوز امپریالیسم امریکای جهانخوار برایشان سخت مهم است و نه سرمایه داری که به اوج خود رسیده است و حیات کنونی زمین را نابود میکند و این یعنی گنبدیگی سرمایه. گنبدیگی سرمایه که با توسل جستن به دیکتاتورهای خشن مذهبی خودش را بیان میکند. چپ سنتی عادت ندارد به موضوع امپریالیسم از این دید نگاه کند چون مستلزم سیاسی ترین کارهای ممکن است و آن سرنگونی جمهوری اسلامی سرمایه است.

این چپ اگر غیر سیاسی نبود سوال فوق را پیش روی خودش نمی گذاشت که خود را عملاً در قبال مبارزات جاری بی وظیفه کند، تا آن حد که انقلاب زن زندگی آزادی را بی ربط به خودش بداند که حتی در سه سالگی این انقلاب، یکبار هم به شعار اصلی آن در اعلامیه شان اشاره نکند. اما در یک مورد ایشان سخت استاد و کارکشته شدند: ایراد فنی گرفتن به مبارزات! بقول زنده یاد منصور حکمت "مبصران اجتماعی"، منتها منصور حکمت باید اشاره میکرد "مبصران اخمو و عبوس!"

این چپ ظاهراً قبول دارد که در جنبش کارگری گرایشات گوناگون وجود دارد، اما این را قبول ندارد که این گرایشات در جنبش کارگری اساساً سیاسی هستند. از دل جنبش‌ها احزاب بیرون می‌آیند. ایشان که مدعی حزب کمونیست هستند باید



از خوزستان خبر میرسد؟

۱۱-۱۸ مهر ۱۴۰۴



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اخبار هفته - واحد خوزستان، کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

جمعه ۱۸ مهر:

- بنا بر اخبار منتشر شده در این روز چند حادثه رانندگی در محورهای مختلف استان خوزستان خبرساز شد. انحراف یک دستگاه مینی بوس حامل کارگران در محور آبادان - بندر امام و مصدومیت ۱۴ نفر، برخورد شدید یک دستگاه سمند با تریلر در محور کوت سید نعیم - حمیدیه که چهار مصدوم برجای گذاشت؛ دو نمونه آنست. خستگی رانندگان، فرسودگی وسایل نقلیه و امنیت پایین جاده های روستایی و صنعتی از جمله عوامل حوادث مرگبار در جاده ها هستند.

اخبار حکومتی از بحرانی جدی در ایمنی جاده های خوزستان گزارش میدهند. اما جاده های نا امن نه فقط در خوزستان بلکه در سطح کشور هر روزه قربانی میگردد و مسبب آن حکومت مافیایی حاکم و چپاولگریهایش است. حکومتی که برایش جان انسانها ارزشی ندارد.

طبق گزارشات محور آبادان - بندر امام از پرترددترین مسیرهای کارگری جنوب خوزستان است. هر روز صدها مینی بوس، اتوبوس و وانت، کارگران پالایشگاهها و صنایع پتروشیمی را در این مسیر جابه جا می کنند و هر روز اخبار تصادفات بخاطر ناامنی این جاده رسانه ای میشود.

محور کوت سید نعیم - حمیدیه نیز یکی دیگر از مسیرهای پررفت و آمد شهرستان اهواز است که در آن تردد خودروهای سنگین بالاست. نبود شانه ایمن، کم عرض بودن جاده و تاریکی بخش هایی از مسیر در شب، عوامل خطر آفرین در این جاده است. جاده های نا امن و ماشین های اسقاطی حمل و نقل از جمله موضوعات اعتراضی کارگران و مردم در خوزستان است.

پنجشنبه ۱۷ مهر:

- عبدالامام زاری، زندانی سیاسی بیش از ۲۰ سال است که در زندان شیپان اهواز در حبس است. بنا بر خبرها او از بیماریهای بسیاری رنج میبرد و از دارو و درمان محروم است. مرگ خاموش زندانیان سیاسی بخاطر محرومیت از دارو، بخشی از جنایت سیستماتیک حکومت در زندانهاست. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

چهارشنبه ۱۶ مهر:

- گزارشات از کمبود مدارس و مدارس غیر استاندارد و فاقد اولیه ترین تجهیزات برای آموزش کودکان خبر میدهند. یک نمونه آن دبستان "شهید رجایی" در شوش است که دانش آموزان بخاطر نبود میز و نیمکت، کف اطاق روی زمین می نشینند و کلاس های درس در شرایط بسیار نامناسبی برگزار میشود. خانواده های دانش آموزان نسبت به این وضعیت به مسئولان آموزش و پرورش شکایت کرده و خواستار تامین تجهیزات مورد نیاز و رسیدگی فوری به وضعیت اسفناک مدرسه شده اند. اما با وجود گذشت دو هفته از آغاز سال تحصیلی اقدامی نشده است.

سه شنبه ۱۵ مهر:

- کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» هفته هشتاد و نهم خود را پشت سر گذاشت و در ۵۲ زندان برگزار شد. این حرکت در این هفته در آستانه ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام که پیوند مهمی با کارزار نه به اعدام دارد برگزار شد. سه شنبه های نه به اعدام در اعتراض به مجازات شنیع اعدام و افزایش شمار اعدام ها و صدور احکام مرگ جدید و ادامه سرکوبگریهای حکومت صورت میگردد. زندانیان در زندان های شیپان اهواز، سپیدار اهواز (بند زنان و مردان) و زندان بهبهان از جمله شرکت کنندگان در این کارزار هستند.

- جمعی از کارگران روزمزد شهرداری اندیمشک در استان خوزستان در اعتراض به نداشتن بیمه و عدم برخورداری از مزایای شغلی بر حق خود، مقابل ساختمان شورای اسلامی شهر تجمع کردند. به گفته کارگران بیش از هشت سال از اشتغالشان در مجموعه شهرداری، همچنان به صورت روزمزد فعالیت می کنند و از بیمه و دیگر حق و حقوق خود و امنیت شغلی محروم اند.

- بامداد این روز فارس کعب کرملالله، فعال فرهنگی در شوشتر توسط مأموران اداره اطلاعات با یورش به منزل وی بازداشت شد. طبق گزارشات مأموران امنیتی حکومت ضمن بازرسی دوربین ها، تلفن همراه و رایانه شخصی او را ضبط و بدون اجازه برای پوشیدن لباس مناسب، وی را بازداشت نمودند. این بازداشت در پی افزایش فشارها بر فعالان سیاسی در خوزستان و پس از اعدام شش فعال سیاسی در ۱۲ مهرماه ۱۴۰۴ صورت گرفته است.

- قرار بازداشت موقت پنج زندانی سیاسی در اهواز به نام های مختار آلبوشوکه، مصطفی هلیچی، رضا حزباوی، عباس ساعدی و عامر مجاسبه، که در بند ۵ زندان شیپان اهواز نگهداری می شوند، توسط «لیرکی» (بازپرس شعبه ۱۳ دادسرای عمومی و انقلاب اهواز، بار دیگر برای یک ماه تمدید شد.

دوشنبه ۱۴ مهر:

- بازنشستگان مخابرات همچون هفته های گذشته در شهرهای مختلف علیه فقر و گرانی و بساط اختلاسگریهای سهامداران عمده نهاد موسوم به "ستاد فرمان امام" تحت کنترل خامنه ای و تعاون سپاه، تجمع و راهپیمایی کردند. در این روز بازنشستگان مخابرات در بیش از ده شهر از جمله در اهواز تجمع داشتند.

یکشنبه ۱۳ مهر:

- تامین اجتماعی در چندین شهر از جمله در اهواز و شوش و بازنشستگان فولاد در اهواز در اعتراض به فقر و گرانی و مشکلات معیشتی تجمع کردند. بازنشستگان با فریاد "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" کل جامعه را به پیوستن به صف اعتراضات خود فراخواندند.

- تجمع بازنشستگان نفت در اهواز مقابل ساختمان مناطق نفتخیز جنوبی در اعتراض



شرکت موتوژن وابسته به وزارت دفاع است و در آن هزار کارگر به کار اشتغال دارند که بخش بزرگ آنها قراردادهایشان موقت و پیمانی است.

تجمع کشاورزان گرمسار و آرادان برای حقابه

امروز هفدهم مهر ماه کشاورزان گرمسار و آرادان همزمان با سفر وزیر نیرو به گرمسار در اعتراض به مشکل بی آبی و مافیای آب و دزدی هایشان تجمع کرده و محل حضور این وزیر حکومتی را با فریاد "ما آب می‌خواهیم، نه وعده" به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند. این کشاورزان خواهان اجرای کامل قانون توزیع عادلانه آب و پایان دادن به سیاست‌های تبعیض‌آمیز در تخصیص منابع آبی شدند. به گفته کشاورزان معترض بحران آب در گرمسار و آرادان دیگر یک هشدار نیست بلکه یک فاجعه است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ مهر ۱۴۰۴ - ۹ اکتبر ۲۰۲۵

۱۷ مهر: چند مورد اعتصاب و اعتراض

اعتصاب کارگران ای نفت، ستاره بندرعباس، کارگران خدمات شهری ایلام، موتوژن تبریز، و تجمع کشاورزان گچساران و آرادان

اعتصاب کارگران پروژه ای نفت ستاره بندرعباس

امروز هفدهم مهرماه اعتصاب دوست کارگر پروژه ای نفت ستاره بندرعباس در اعتراض به پرداخت نشدن چهارماهه مزد وارد دومین روز شد. این کارگران در خوابگاههای پروژه مانده اند و منتظر واریز شدن مزد خود هستند.

اعتصاب کارگران خدمات شهری ایلام

شب گذشته شانزدهم مهر ماه کارگران شرکتی خدمات شهری شهرداری ایلام به دلیل پرداخت نشدن سه ماه حقوق و معوقات‌شان، دست به اعتصاب زدند. بنا بر گزارشات در جریان این اعتراض، درگیری لفظی و فیزیکی بین تعدادی از کارگران با معاون شهردار و رئیس نقلیه رخ داد. کارگران خواستار پرداخت فوری طلب‌هایشان هستند.

اعتصاب کارگران موتوژن تبریز

روز گذشته شانزدهم مهرماه کارگران و کارکنان شرکت موتوژن در اعتراض به سطح نازل حقوقها و قراردادهای پیمانی و عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان برای دومین روز دست به اعتصاب زدند. عقد قرارداد مستقیم با این شرکت و یکسان سازی حقوق دریافتی از جمله خواسته‌های کارگران است. در رابطه با این خواستها این کارگران در سه سال اخیر تجمعات متعددی بر پا کرده اند و جوابی نگرفته اند.



دیگر مزایای قانونی خود محروم هستند.

جمعه ۱۱ مهر:

-شهاب نظری، زندانی سیاسی در زندان شیپان اهواز، با وجود ابتلا به بیماری قلبی و درد شدید در ناحیه قفسه سینه، از اعزام به مراکز درمانی و دریافت رسیدگی تخصصی پزشکی محروم مانده است. زندان شیپان اهواز یکی دیگر از قتلگاههای جمهوری اسلامی است. یک سیاست جنایت کارانه حکومت در قبال زندانیان سیاسی محرومیت آنها از دارو و درمان و قتل خاموش آنان است. سمیه رشیدی قربانی اخیر این سیاست بود. شهاب نظری و دهها زندانی سیاسی دیگر نیز جانانشان در خطر است. به نجات جان زندانیان بشتابیم.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۸ مهرماه ۱۴۰۳ - ۱۰ اکتبر ۲۰۲۵

از صفحه ۱۲

از خوزستان خبر میرسد:...

به مشکلات معیشتی و علیه چپاولگریها در صندوق بازنشستگی.

شنبه ۱۲ مهر:

- بامداد این روز شش زندانی سیاسی در زندان‌های اهواز اعدام شدند. اسامی زندانیان اعدام شده به شرح زیر است: علی مجدم، معین خنفری، سید سالم موسوی، محمدرضا مقدم، عدنان آلبوشوکه (غیبشویی)، حبیب دریس در زندان سپیدار اهواز.

جنبش علیه اعدام یک جنبش قدرتمند در ایران است. سه شنبه‌های نه به اعدام یک ستون مهم این جنبش است. وسیعا به جنبش علیه اعدام پیوندیم و از سه شنبه‌های نه به اعدام حمایت و پشتیبانی کنیم.

- ۹ صبح این روز کشاورزان در دزفول در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری خود و با خواست تامین سوخت برای ادوات کشاورزی مقابل فرمانداری تجمع کردند و با نشستن بر روی آسفالت خیابان دست به تحصن زدند. این تحصن چند ساعته ادامه داشت.

- گروهی از کارگران شهرداری اندیمشک در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری خود مقابل ساختمان فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند. این کارگران روزمزد، با در دست داشتن پلاکاردهایی اعلام کردند که علیرغم هشت سال سابقه کار در شهرداری اندیمشک، از داشتن بیمه و

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده کارگر کمونیست

دوشنبه ۲۱ مهر: بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف علیه وخیم تر شدن هر روزه زندگی و معیشت خود و بساط اختلاسگریهای سهامداران عمده شرکت تجمع و راهپیمایی کردند. این تجمعات از جمله در شهرهای تهران، کرمانشاه، سنندج، اصفهان، اهواز، میوان، زنجان، و تبریز برگزار شدند.

- جمعی از کارگران شرکت چوکای رضوانشهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق یک ماهه خود در محوطه این شرکت دست به تجمع زدند.

- نانوایان در شیراز در اعتراض به مشکلات معیشتی و پرداخت نشده چند ماهه بارانه و بساط چپاول نانینو مقابل استانداری فارس تجمع کردند.

- کارگران نفت و گاز در مراکز مختلف نفت و گاز جنوب برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند. مراکزی که این تجمعات برگزار شدند از جمله عبارتند از: مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه سوم، نفت و گاز پارس سکوی های ۴۰ گانه POGC، مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه دوم، شرکت نفت و گاز پارس عسلویه پارس ۱، مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه هفتم، شرکت نفت و گاز پارس کنگان پارس ۲، شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه نهم، نفت و گاز پارس سکوی های ۴۰ گانه POGC و...؛

یکشنبه ۲۰ مهر: بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز، شوش، تهران، رشت و شوشتر و بازنشستگان فولاد در اصفهان برای پیگیری خواستههای خود تجمع کردند. در اهواز بازنشستگان در اعتراض به دستگیری همکار خود محمد رضا کامروا و سرکوبگریهای حاکم شعار میدادند: "معارض زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"

- پرستاران دانشگاه پزشکی کرمانشاه نیز در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم پرداخت ماهها تعرفه و اضافه کاری خود و وعده های توخالی مسئولین بار دیگر به خیابان آمدند

- متقاضیان "مسکن ملی" در اعتراض به فساد ساختاری حکومتی است که سال هاست پول آنان را گرفته و خانه ای تحویل نداده اند و باز هم پول بیشتری طلب می کنند در برابر اداره ی کل راه و شهرسازی استان یزد تجمع کردند.

- خانواده های دانش آموزان شهرک نفت جم در اعتراض به شهریه های نجومی و افت کیفیت آموزشی بار دیگر مقابل "فرهنگسرای توحید" جم تجمع کردند.

- کارگران رسمی نفت فلا قاره در منطقه سیری در ادامه اعتراضات خود تجمع کرده و پیگیر مطالبات خود شدند

شنبه ۱۹ مهر: محمد رضا کامروا از فعالین بازنشسته اهواز، در منزل خود بازداشت و به اطلاعات سپاه این شهر منتقل شد. او پیش تر در بهمن ۱۴۰۰ توسط اطلاعات سپاه بازداشت و پس از ۲۵ روز با قرار وثیقه آزاد شد و سالجاری توسط شعبه دوم پیدادگاه انقلاب اهواز به دو سال حبس محکوم شد. کامروا حدود یکماه پیش بدلیل بیماری تومور مغزی به مدت دو هفته در بیمارستان بستری بود. او همچنین از بیماریهای حاد قلبی و ریوی رنج می برد و در حال حاضر در شرایط جسمانی بسیار وخیمی قرار دارد.

- اعتصاب کارگران موتوژن تبریز در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری و خطر

اخراج خود از کار وارد پنجمین روز شد. هزار کارگر این واحد صنعتی با تأکید بر نبود امنیت شغلی و احتمال اخراج ناگهانی، خواستار رسمی شدن قراردادهای خود شده اند.

- کارگران رسمی شاغل در شرکت نفت فلات قاره در لاوان و همچنین در بهرگان در اعتراض به پاسخ نگرفتن مطالبات خود تجمع کردند. در بهرگان این کارگران مدت دو ساعت تجمع داشته و بعد از آن تا اداره مرکزی منطقه راهپیمایی کردند. از ساعت ۷ تا ۹ صبح شبیه تجمع و سپس تا اداره مرکزی منطقه راهپیمایی کردند. کارگران معترض در لاوان در ادامه تجمعات روزهای گذشته اعلام کرده اند که ۲ روز در هفته شبیه و دوشنبه از ساعت ۹ تا ۱۲ صبح در محل باشگاه کمپ منطقه حضور خواهند یافت. و اگر پاسخ نگیرند به اعتراضاتشان گسترش خواهد داد. اهم مطالبات فوری کارگران رسمی عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

جمعه ۱۸ مهر: تشکلهای مختلف کارگری- اجتماعی از جمله نهاد دادخواهان و اعدام نکند و نیز نهادهای شورای بازنشستگان ایران، اتحاد بازنشستگان، ندای زنان ایران و شماری از تشکلهای و جمع های دانشجویی به مناسبت ده اکتبر، مدافعان حق کودکی در ایران، هجدهم مهرماه روز جهانی نه به اعدام بیانیه داده و بر لغو مجازات اعدام و احکام اعدام و آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی تأکید کردند. در این روز جمعی از فعالین اجتماعی نیز که به دیدار راحله راحمی پور زندانی سیاسی که به تازگی آزاد شده است رفته و با دستنوشته ها نه به اعدام و شعار اعدام نکند. صدای اعتراض خود را علیه اعدامها بلند کردند. همچنین خانواده های دادخواه با رفتن به مزار عزیزان خود و در ویدئو کلیپ های خود فریاد نه به اعدام سردادند.

- کارگران ارکان ثالث در لاوان با مطالبه برجیده شدن بساط پیمانکاران مفتخور و دیگر مطالبات خود و خلف وعده ها تجمع داشتند. طبق گزارشات بدنبال سخنان یکی از اعضای مجلس تشخیص مصلحت نظام در خصوص عدم امکان حذف شرکت های پیمانکاری نفت با توجیه بار مالی آن، کارگران ارکان ثالث به خشم آمده و طی بیانیه ای خطاب به مسئولان اولتیماتوم دادند که اگر پاسخ نگیرند اعتراضاتشان را گسترش خواهند داد. افزایش دستمزدها و حذف پیمانکاران دوخواست اصلی این کارگران است. اهم مطالبات فوری اعلام شده این کارگران عبارتند از: حذف پیمانکاران و برجیده شدن شرکتهای پیمانکاری و تبدیل وضعیت استخدامی، انعقاد قرارداد مستقیم با شرکت نفت و برخورداری از امنیت شغلی و مزایای مساوی با کارکنان رسمی یا قرارداد مستقیم و اصلاح نحوه محاسبه مزایا و اصلاح و اجرای صحیح رأی شماره ۳۱۸۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و مبنا قراردادن آن برای محاسبه ی مزایایی مانند اضافه کاری، نوبت کاری، و جمعه کاری و کل دستمزد.

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد، ادامه اعتراضات کارگران موتورزن و اخباری دیگر



دیگر به خیابان آمدند

تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی متقاضیان "مسکن ملی" در برابر اداره ی کل راه و شهرسازی استان یزد صورت گرفت. اعتراض آنان به فساد ساختاری حکومتی است که سال هاست دزدان حاکم پول آنان را تحت عنوان ارائه مسکن گرفته و خانه ای تحویل نداده اند و باز هم پول بیشتری طلب می کنند. طرح های مسکن ملی یکی از کانون های چپاولگریهای باندهای مافیایی حکومت است.

آخرین خبر اینکه روز گذشته نوزدهم مهرماه اعتصاب کارگران موتورزن تبریز در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری و خطر اخراج، وارد پنجمین روز شد. هزار کارگر این واحد صنعتی با تأکید بر نبود امنیت شغلی و احتمال اخراج ناگهانی، خواستار رسمی شدن قراردادهای خود شده اند. طبق گزارشات هم اکنون فضای این کارخانه بشدت امنیتی شده و مدیران با کنترل تلفن های همراه کارگران تلاش میکنند از انتشار اخبار این اعتراضات جلوگیری کنند. اما اعتصاب ادامه دارد و کارگران اعلام کرده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند به اعتصاب خود ادامه میدهند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ مهر ۱۴۰۴ - ۱۲ اکتبر ۲۰۲۵

امروز بیستم مهرماه بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز، شوش، تهران، رشت و شوشتر برای پیگیری خواسته های خود تجمع کردند. در اهواز بازنشستگان مقابل ساختمان اداره کل این سازمان در استان خوزستان تجمع داشتند و در اعتراض به دستگیری همکار خود محمد رضا کامروا و سرکوبگریهای حاکم شعار میدادند "معتراض زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "بازنشسته زندانی آزاد باید گردد" و "محمدزمان کامروا آزاد باید گردد". محمد رضا کامروا یکی از بازنشستگان معترض روز شنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۴ توسط ماموران اطلاعات سپاه اهواز بازداشت شده است.

دیگر شعارهای بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز عبارت بودند از: "نگاه پشت شیشه، جواب ما همیشه"، "مسئول بی لیاقت استعفا استعفا" و "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون". در پایان این تجمع بازنشستگان با سر دادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" کل بساط چپاول و بردگی حاکم را به چالش کشیدند. در شوش بازنشستگان همچون هفته های گذشته از سه شهر کرخه، هفت تپه و شوش گرد آمده بودند و شعار میدادند "هزینه ها دلاریه حقوق ما ریالیه"، "معیشت منزلت حق مسلم ماست" و "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن". در تهران نیز بازنشستگان مقابل تامین اجتماعی تجمع داشتند و با فریاد "آب، برق زندگی" اعتراض خود را به فقر و گرانی و بی تاملی فریاد زدند.

همزمان با تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان فولاد نیز در اصفهان مقابل استانداری تجمع کردند و با فریاد "فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن" پیگیر مطالباتشان شدند. این بازنشستگان در اعتراض به مشکلات معیشتی و چپاولگریهای حاکم شعار میدادند: "حاصل کار دولت، غارت جیب ملت".

در این روز همچنین پرستاران دانشگاه پزشکی کرمانشاه در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم پرداخت ماهها تعرفه و اضافه کاری خود و وعده های توخالی مسئولین بار

اعتراضی خود مقابل استانداری تجمع و اعتراض کردند.

از صفحه ۱۴

کارگران در هفته ای که گذشت...

- صبح این روز کارگران کارخانه "فولاد سیادن"، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود دست از کار کشیدند و در مقابل درب کارخانه و سپس در مقابل ساختمان فرمانداری ابهر تجمع کردند.

سه شنبه ۱۵ مهر: کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» هفته هشاد و نهم خود را پشت سر گذاشت و در ۵۲ زندان برگزار شد. برگزاری سه شنبه های نه به اعدام در آستانه ی ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام پیوند عمیق این کارزار را با روز جهانی نه به اعدام نشان میداد و بازتاب آنرا در بیانیه هفتگی این کارزار شاهد بودیم.

- شماری از خانواده های زندانیان سیاسی مثل هفته های گذشته در همبستگی با کارزار سه شنبه های نه به اعدام با شعار "نه به اعدام" و با خواست لغو مجازات قرون وسطایی اعدام تجمع کردند.

- دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیر طوسی در لابی دانشکده برق پردیس سیدخندان تجمع کردند. این حرکت در ادامه اعتراضات این دانشجویان به شهریه های نجومی و مشکل خوابگاه و سلف و دیگر نیازهای معیشتی و تحصیلی جریان یافت.

- نیروهای وزارت اطلاعات با حکم بازرسی به منزل ژاله روحزاد، معلم و فعال کارگری یورش برده و تمامی وسایل الکترونیکی او و همسرش اسماعیل گرامی را ضبط کردند. این دومین بار در ماه های اخیر است که منزل این دو فعال کارگری هدف حمله نیروهای امنیتی قرار می گیرد.

پنجشنبه ۱۷ مهر: اعتصاب دویست کارگر پروژه ای نفت ستاره بندرعباس در اعتراض به پرداخت نشدن چهارماهه مزد وارد دومین روز شد. این کارگران خواستار پرداخت فوری طلبهایشان هستند.

- کشاورزان گرمسار و آرادان همزمان با سفر وزیر نیرو به گرمسار در اعتراض به مشکل بی آبی و مافیای آب و دزدی هایشان تجمع کرده و محل حضور این وزیر حکومتی را با فریاد "ما آب میخواهیم، نه وعده" به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند.

چهارشنبه ۱۶ مهر: کارگران شرکتی خدمات شهری شهرداری ایلام به دلیل پرداخت نشدن سه ماه حقوق و معوقات شان، دست به اعتصاب زدند. کارگران خواستار پرداخت فوری طلبهایشان هستند.

- کارگران و کارکنان شرکت موتورزن در اعتراض به سطح نازل حقوقها و قراردادهای پیمانی و عدم پاسخگویی به خواسته هایشان برای دومین روز دست به اعتصاب زدند. عقد قرارداد مستقیم با این شرکت و یکسان سازی حقوق دریافتی از جمله خواسته های کارگران است. در رابطه با این خواسته ها این کارگران در سه سال اخیر تجمعات متعددی بر پا کرده اند و جوابی نگرفته اند. شرکت موتورزن وابسته به وزارت دفاع است و در آن هزار کارگر به کار اشتغال دارند که بخش بزرگ آنها قراردادهایشان موقت و پیمانی است.

- انانویان در مشهد در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری و پرداخت نشدن پارانها و بساط مافیایی و دزدی نانینو، دست به راهپیمایی زده و با شعارهای



تجمع و راهپیمایی نانوایان مشهد و اعتصاب کارگران کارخانه فولاد سیادن

تجمع و راهپیمایی نانوایان مشهد

امروز چهارشنبه ۱۶ مهر نانوایان در مشهد در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری و پرداخت نشدن یارانه‌ها و بساط مافیایی و دزدی نانینو، دست به راهپیمایی زده و با شعارهای اعتراضی خود مقابل استانداری تجمع و اعتراض کردند. به گفته نانوایان معترض علی‌رغم سه ماه اعتراضاتشان به فقر، تنها وعده و وعید شنیده اند و بین مسئولان از فرماندارتا وزیر و غیره پاسکاری میشوند. در تجمع اعتراضی امروز نانوایان با شعارهای "وعده وعید کافی، سفره ما خالی"، "حق ما پرداخت نشه، نونوایی تعطیل میشه!" اولتیماتوم به اعتصاب دادند.

تجمع و اعتصاب کارگران کارخانه فولادسیادن

صبح امروز شانزدهم مهر ماه کارگران کارخانه "فولاد سیادن"، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود دست از کار کشیدند و در مقابل درب کارخانه و سپس در مقابل ساختمان فرمانداری ابهر تجمع کردند. طبق گزارشات زیر فشار اعتراض کارگران نشستی با حضور اعضای شورای تامین و نمایندگان کارگری در محل فرمانداری برگزار شد. در این نشست در نهایت مقرر شد کارفرما حداکثر تا روز شنبه هفته بخشی از معوقات مزدی دو ماهه کارگران را بپردازد. به گفته کارگران؛

در جریان قطعی برق و گاز فعالیت تولیدی کارخانه حدودا دو هفته متوقف شده و در نهایت هفته گذشته با مساعدت مسئولان، برق و گاز کارخانه وصل شده و فعالیت تولیدی کارخانه از سر گرفته شده است. اما دو ماه مزد کارگران پرداخت نشده است. کارگران خواستار پرداخت فوری طلبهایشان هستند. علاوه بر تعویق دستمزد، ندادن به موقع لباس کار، نداشتن فیش حقوقی و عدم رعایت بهداشت کار، بخش دیگری از مشکلات کارگران فولاد سیادن است. در این کارخانه ۲۸۰ کار به کار اشتغال دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مهر ۱۴۰۴ - ۸ اکتبر ۲۰۲۵



بیانیه پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران علیه عدم میتوانیم و باید اعدام در ایران را متوقف کنیم!

جهان منظمنا علیه اعدام ها به اعتراض برخاسته اند و بسیاری از اتحادیه های کارگری، تشکل های حقوق بشری،

نهادهای بین المللی و همینطور بعضا پارلمانها و دولت های اروپایی با جنبش علیه اعدام در ایران همراهی کرده اند.

چنین جنبشی وسیع و گسترده علیه اعدام در ایران و در بین ایرانیان ساکن خارج کشور بطور بالقوه این ظرفیت را دارد که انجام هر اعدام توسط جمهوری اسلامی را بسیار بیش از گذشته پرهزینه و مخاطره انگیز کند و سرانجام خاکریز اعدام ها را همچون خاکریز حجاب از دست رژیم خارج کند. پلنوم شصت کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری همه فعالین کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویی و همه فعالین جنبش انقلابی زن زندگی آزادی را فرامیخواند تا وسیعترین اتحاد علیه اعدام را در سراسر ایران و در خارج کشور شکل دهند. میتوان و باید جنبش سه شنبه های نه به اعدام در ایران را به یک جنبش محبوب و شناخته شده بین المللی تبدیل کرد. میتوان همه جهان را متقاعد کرد که اعدام در ایران یک اقدام تروریستی جمهوری اسلامی علیه جامعه و مصداق جنایت علیه بشریت است و باید فوراً متوقف گردد. جمهوری اسلامی در وحشت بقاء دست و پا میزند و اعدام آخرین تکیه گاه اوست. بی تردید این رژیم و همه جنایات و اعدام هایش را به موزه وحشت و جنایت تاریخ خواهیم سپرد و با لغو مجازات اعدام به تاریخ قتل حکومتی در ایران پایان خواهیم داد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ مهرماه ۱۴۰۴، ۴ اکتبر ۲۰۲۵

اعدام مجازات نیست، قتل عمد و از پیش طراحی شده حکومتی است. در ایران، اعدام از این هم فراتر است؛ ابزار مستقیم سرکوب و ارعاب جامعه، ابزار پاکسازی مذهبی و عقیدتی، ابزار نسل کشی و مصداق جنایت علیه بشریت است. هرگاه و هرجا حکومت در تنگناست و در حلقه اعتراض مردم قرار می‌گیرد، تعداد اعدام‌ها افزایش می‌یابد. امسال، جمهوری اسلامی که یکی از سخت‌ترین سالها را داشت، فی‌الحال از مرز هزار اعدام یعنی کشتار روزانه تقریباً سه نفر گذشته و رکورد سی سال گذشته را شکسته است.

هراندازه حکومت اسلامی حاکم بر ایران رژیم اعدام و آدم کشی است، جامعه ایران و بویژه جنبش انقلابی زن زندگی آزادی جاری در آن ضد اعدام و جنایت دولتی و طرفدار زندگی است. به جرات می‌توان گفت که جنبش علیه اعدام در ایران یکی از فعال‌ترین و گسترده‌ترین جنبش‌های ضد اعدام در منطقه و جهان است. بیش از یکسال است که زندانیان در دهها زندان سراسر کشور در یک حرکت بی سابقه هر سه شنبه علیه اعدام دست به اعتصاب می‌زنند. این "سه شنبه های نه به اعدام" مورد حمایت وسیع اقشار مختلف جامعه از معلمان و کارگران تا هنرمندان و ورزشکاران قرار گرفته است. در ایران یک جنبش وسیع دادخواهی در جوش و خروش دائمی است که یک مساله اصلی اش توقف اعدام ها و به دادگاه کشاندن همه سران جمهوری اسلامی و دست اندرکاران هزاران و هزاران اعدام در طول حیات ننگین این رژیم است. هم اکنون خواست اعدام نکنید همچون خواست های رفاهی و آزادی زندانیان سیاسی، به خواست اعتراضات وسیعی که روزانه جریان دارد تبدیل شده است. تا کنون در شهرهای مختلف کردستان و همچنین در سمیرم علیه اعدام اعتصاب عمومی برپا شده است. در خارج کشور نیز ایرانیان ساکن دهها شهر بزرگ



تجمع اعتراضی رانندگان وانت نیسان در گمرک بندر دیر

امروز بیست و یکم مهرماه کارگران و رانندگان وانت نیسان در گمرک بندر دیر در اعتراض به تصویب مصوبه مالیات ۵ درصدی و افزایش بیکاری، دست به تجمع زدند. تغییر رویه باربری به کانتینری و انتقال بار توسط کامیون‌ها و خاورها، باعث شده فعالیت این کارگران به شدت محدود شود و معیشتشان با خطر جدی روبه‌رو گردد. زیر فشار اعتراض کنندگان رئیس گمرک وعده داد که مشکلات آنان را در اسرع وقت مورد بررسی قرار داده و جوابگو خواهند بود.

تجمع کارگران کارخانه چوکای رضوانشهر

امروز ۲۱ مهر جمعی از کارگران شرکت چوکای رضوانشهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق یک ماهه خود در محوطه این شرکت دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی نانوایان در شیراز

امروز بیست و یکم مهرماه ماه نانوایان در شیراز در اعتراض به مشکلات معیشتی و پرداخت نشده چند ماهه یارانه و بساط چپاول نانوینو مقابل استانداری فارس تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۱ مهر ۱۴۰۴ - ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵

دوشنبه های اعتراضی در مراکز مختلف نفت و گاز

جنوب

امروز بیست و یکم مهرماه کارگران نفت و گاز در مراکز مختلف نفت و گاز جنوب برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند. مراکزی که این تجمعات برگزار شدند از جمله عبارتند از: مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه سوم، نفت و گاز پارس سکوی های ۴۰ گانه POGC، مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه دوم، شرکت نفت و گاز پارس عسلویه پارس ۱، مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه هفتم، شرکت نفت و گاز پارس کنگان پارس ۲، شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه نهم، نفت و گاز پارس سکوی های ۴۰ گانه POGC و....؛

مطالبات کارگران رسمی سراسری است و اهم آنها عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۱ مهر ۱۴۰۴ - ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵



تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات، و اخباری دیگر

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات، و اخباری دیگر

امروز دوشنبه ۲۱ مهر بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف علیه وخیم تر شدن هر روزه زندگی و معیشت خود و بساط اختلاسگریهای سهامداران عمده شرکت تجمع و راهپیمایی کردند. این تجمعات از جمله در شهرهای تهران، کرمانشاه، سنندج، اصفهان، اهواز، میوان، زنجان، و تبریز برگزار شدند.

حقوقهای نازل، محرومیت از درمان رایگان و بساط چپاول و دزدی سهامداران عمده شرکت از جمله موضوعات مورد اعتراض این بازنشستگان است. افزایش حقوقها به بالای نرخ سبد معیشتی، درمان رایگان، پایان دادن به بساط سرکوبگریها و چپاول و دزدی حاکم مطالبات سراسری بازنشستگان است. مطالبات فوری بازنشستگان مخابرات عبارتند از: اجرای آیین‌نامه ۸۹، همسانسازی حقوق با هم ترازان شغلی و افزایش سطح حقوقها، پرداخت مابه التفاوت مزایای رفاهی، ذخیره مرخصی، سهم صندوق‌های پس انداز و اجرای رأی وحدت رویه ۹۲۳۵ و اصلاح درمان تکمیلی و رفع تاخیر در بازپرداخت هزینه ها.

روز گذشته نیز بازنشستگان تامین اجتماعی علاوه بر شهرهای تهران، شوش، اهواز، شوشتر که قبلا گزارش آن داده شده، در رشت نیز تجمع داشتند. در این روز نیروهای انتظامی بعد از پایان تجمع بازنشستگان رشت به شرکت کنندگان حمله کردند و ضمن ضبط تجهیزات صوتی، یکی از معترضان را بازداشت کردند. اما زیر فشار تجمع کنندگان وی پس از چند ساعت آزاد شد. شرکت کنندگان در واکنش به این برخورد نوشتند: "نه تهدید، نه زندان، نه اعدام نیست جلودار ما"، و "ما برای نان، آزادی و عدالت فریاد می‌زنیم، اما پاسخ حاکمیت، سرکوب است." "معترض زندانی، معلم زندانی، کارگر زندانی آزاد باید گردد" یکی از شعارهای اعتراضی در این تجمع بود.

تجمع خانواده بیماران سیستمیوزیس در اعتراض به گرانی

روز ۲۱ مهر حدود ۱۳۰ نفر از خانواده‌ها و بیماران مبتلا به بیماری نادر سیستمیوزیس در تهران در اعتراض به گرانی داروی خود دست به تجمع زدند. بیماری سیستمیوزیس یک بیماری متابولیکی است که موجب تجمع غیرطبیعی سیستین در اعضای مختلف بدن می‌شود و نیازمند مصرف مستمر دارو و تجهیزات پزشکی خاص است. قیمت داروی سیستمیوزیس که مردادماه امسال با سهم بیمه ۲۰۰ هزار تومان در دسترس بود، اکنون با هزینه‌ای بالغ بر ۲۷ میلیون تومان عرضه می‌شود. خانواده‌ها به کاهش سهم بیمه و کمبود قطره چشمی و کیت تشخیص اعتراض دارند و طبق گزارشات هزینه بالای دارو و عوارض جانبی نمونه ایرانی، شرایط زندگی و درمان را برایشان به شدت دشوار کرده است.

اعتراضات در دانشگاهها گسترش می‌یابد

طبق گزارشات دامنه‌ی اعتراضات شبانه خوابگاه دانش به دانشکده هوا فضای خواجه‌نصیر کشیده شد. بنا بر خبرها شب گذشته، در پی اعتراض دانشجویان ساکن خوابگاه دانش نسبت به شرایط رفاهی/آموزشی، مسئولان وزارت علوم و دانشگاه بدون پاسخگویی به این اعتراضات جهت برگزاری جلسه به پردیس تهرانپارس روانه شدند. این شانه بالا انداختن ها خشم عمومی دانشجویان را برانگیخت و آنان در اقدامی متقابل، اعتراض خود را به لابی دانشکده‌ی مهندسی هوافضا گسترش دادند.

روز گذشته بیستم مهرماه نیز دانشجویان دانشگاه شهرکرد در اعتراض به کیفیت پایین غذای سلف و مشاهده کرم در آن، ظرف‌های غذای خود را روی زمین گذاشته و دست به تجمع زدند.



ادامه سه شنبه‌های نه به اعدام، اعتراضات دانشجویان خواجه نصیر و اخباری دیگر

ادامه اعتراضات دانشجویان خواجه

نصیر طوسی

امروز پانزدهم مهرماه دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیر طوسی در لابی دانشکده برق پردیس سیدخندان تجمع کردند. این حرکت در ادامه اعتراضات این دانشجویان به شهریه

های نجومی و مشکل خوابگاه و سلف و دیگر نیازهای معیشتی و تحصیلی جریان یافت و دانشجویان معترض با در دست گرفتن پلاکاردهای خود بسوی ساختمان سلف حرکت کرده و با فریاد "نه پادگان نه بنگاه درود بر دانشگاه"، و "سلف خوابگاه نداره دزدی ادامه داره" به فضای سرکوب و دزدی در دانشگاهها اعتراض کردند.

یورش نیروهای انتظامی به منزل ژاله روحزاد و اسماعیل گرامی

بامداد امروز، سه‌شنبه ۱۵ مهر، نیروهای وزارت اطلاعات با حکم بازرسی به منزل ژاله روحزاد، معلم و فعال کارگری یورش برده و تمامی وسایل الکترونیکی او و همسرش اسماعیل گرامی را ضبط کردند. این دومین بار در ماه‌های اخیر است که منزل این دو فعال کارگری هدف حمله نیروهای امنیتی قرار می‌گیرد. پیش‌تر نیز در مرداد ۱۴۰۳ مأموران به خانه آنان یورش برده و اسماعیل گرامی را بازداشت کرده بودند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ مهر ۱۴۰۴ - ۷ اکتبر ۲۰۲۵

امروز سه شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۴ کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» هفتاد و نهمین خود را پشت سر گذاشت و در ۵۲ زندان برگزار شد. این حرکت در حالی برگزار می‌شود که در آستانه‌ی ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام هستیم و حرکت سه شنبه‌های نه به اعدام به این روز کاملاً پیوند دارد. در بیانیه هفتگی این کارزار همچون هفته‌های گذشته ضمن اشاره به ادامه گسترده اعدامها و تشدید سرکوبگریهای حکومت بر اعدام ۱۶۹۵ نفر از اول اکتبر ۲۰۲۴ تا امروز اشاره شده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "همه می‌دانیم اعدام در ایران نه تنها یک مجازات بلکه ابزاری برای ارعاب و ایجاد وحشت در جامعه‌ای است که در شرایط انفجاری به‌سر می‌برد. از نظر این حکومت، هر اعتراض و اعتراض‌کننده‌ای را باید با اعدام و زندان مرعوب کرد. از همین‌روست که امروز "نه به اعدام" از جمله شعارهای همه‌ی معترضان از معلمان و بازنشستگان و کارگران و دانشجویان است."

در پایان اعضای کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام در بیانیه خود بر مبارزات متحدانه علیه اعدام تأکید کرده و می‌نویسند "ما در کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، با تأکید بر اینکه مجازات اعدام نه عدالت می‌آورد و نه بازدارندگی، بلکه تنها خشونت را نهادینه می‌کند، از همه‌ی وجدان‌های بیدار، فعالان مدنی، نویسندگان، هنرمندان، معلمان، بازنشستگان و کارگران می‌خواهیم که صدای خود را علیه اعدام بلندتر کنند تا اصلی‌ترین ابزار سرکوب و خفقان از دست این حکومت اعدامی گرفته شود. آن موقع است که مسیر برای تحقق عدالت و آزادی مهیا می‌گردد."

در این روز همچنین شماری از خانواده‌های زندانیان سیاسی مثل هفته‌های گذشته با شعار "نه به اعدام" و با خواست لغو مجازات قرون وسطایی اعدام تجمع کردند.

روز جهانی علیه اعدام را به روز خلاصی از توحش تبدیل کنیم

امروز ده اکتبر است. روز جهانی علیه اعدام. در این روز در کشورهایی مثل ایران شماری از آنها توسط حکومت اعدام شدند. روزهای قبل و قبلتر نیز همچنان انسانهایی به چوبه‌های دار سپرده می‌شوند و پدران و مادران و خواهران و برادران و دوستانشان برای همیشه از دیدن آنها و بودن با آنها محروم می‌شوند و زخم و دردی ابدی را با خود حمل می‌کنند. در ۹ ماه نخست سال جاری میلادی حکومت اسلامی بیش از ۱۰۳۰ نفر را از طریق اعدام به قتل رسانده است. چنین آماري در سه دهه گذشته بی‌سابقه بوده است.

اعدام قتل عمد دولتی است. قتل سازمان یافته، نقشه مند، از قبل طراحی شده، دسته جمعی و بسیار وحشیانه و شنیع. در کشورهایی مثل ایران اعدام از همه اینها بدتر است. در ایران اعدام یک آدم کشی ساده نیست. می‌کشند تا حق طلبی را بکشند. می‌کشند تا اعتراض را بکشند. می‌کشند تا انسانهایی را که جامعه را انسانی و آزاد می‌خواهند بترسانند و مرعوب کنند. می‌کشند تا آزادی و رفاه و انسانیت را بکشند. می‌کشند تا خرد و علم و شادی و برابری طلبی را در ابعاد اجتماعی بکشند. می‌کشند تا انسانها را مطیع خرافه پرستی و فساد و کثافت و جنایت کنند.

هم اکنون شمار بسیاری در خطر اعدام هستند و هر روز احکام جدید اعدام صادر میشود. در میان آن لیست بزرگی از فعالین سیاسی همچون شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی را داریم که حکم اعدام گرفته اند. بعلاوه اینکه شمار بسیاری از فعالین کارگری، معلمان، بازنشستگان و فعالین انقلاب زن زندگی آزادی در زندانند و شماری از آنها نیز از طریق آنچه آنرا "قتل خاموش" میخوانند یعنی با محرومیت از دارو و درمان در خطر مرگ قرار دارند. قتل از طریق محرومیت دارویی و درمان نیز در ایران به یک قتل سیستماتیک در زندانها تبدیل شده است. باید به نجات جان همه این انسانها

بشتابیم و چرخ ماشین سرکوب و اعدام حکومت را از کار بیندازیم. بیایید در روز جهانی علیه اعدام همصدا با کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام با تمام توان برای نجات انسانها گام برداریم. بیایید به هر زبان و شکلی که میتوانیم فریاد بزنیم اعدام ممنوع! بیایید با هم تلاش کنیم پرونده این توحش عهد عتیقی را ببندیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی از ممنوعیت کامل مجازات اعدام عمیقاً دفاع می‌کند. ما همه کارگران و اتحادیه‌ها و تشکلهای کارگری و انسان دوست در سطح جهان را فرامیخوانیم تا همصدا با ما حکومت اسلامی این حکومتی را که مردم بلوچستان و فعالین سیاسی در ایران به درست آنرا "حکومت اعدامی" می‌خوانند را عقب برانیم و ابزار اعدام را از آن بگیریم. چشم مادران و پدران و مردم ایران به روزی است که پرونده اعدام برای همیشه بسته شود و جلادان و آدمکشان حاکم از صحنه جامعه جارو شوند. ما از تمام اتحادیه‌های کارگری، نهادهای انساندوست و جامعه متمدن بشری می‌خواهیم که فشار بیاورند که مجازات اعدام در ایران ممنوع شود، تمام احکام اعدام لغو شود، و اعدامها پایان یابد. جمهوری اسلامی بخاطر همه جنایاتش باید در سطح جهان بایکوت و از تمام مراجع جهانی از جمله سازمان جهانی کار اخراج شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی - فری دم ناو

Shahla.daneshfar2@gmail.com

https://www.free-them-now.com/



دهم اکتبر (۱۸ مهر) روز جهانی علیه اعدام است



بالای لیست تعداد اعدامیان قرار گرفته است. این خود دلیل مطلوبیت اعدام را برای حکومت نشان میدهد!

جنبش قدرتمند علیه اعدام در ایران خواهان پیوستن فوری به جهان متمدن بشری در لغو مجازات اعدام است. لغو مجازات اعدام خواست و دستور افکار عمومی است.

#اعدام_قتل_عمد

شورای بازنشستگان ایران
(برگرفته از مدیای اجتماعی)

اکثریت حکومتها به خواست و زیر فشار جامعه مترقی به این عمل شنیع پایان داده و حکم اعدام این #قتل_عمد_حکومتی و این #مجازات_بی_بازگشت را لغو کرده اند.

گرفتن جان یک انسان با قصد و اعلام قبلی، برنامه و اهدافی سیستماتیک در جهت ایجاد رعب و هراس در جامعه است و هیچگونه قدرت بازدارندگی ادعا شده در اجرای بزهکاری را ندارد و برعکس ترویج خشونت هم بدنال دارد.

صدور احکام اعدام ابزار حکومتها برای سرکوب منتقدان و مخالفانی است که گفتار یا عملکردی خلاف با معیارهای ایدئولوژیک و سیاسی حاکم دارند.

در شرایطی که در ایران حاکمیت بازار و سرمایه سود محور، پای خود را بر گلوی مردم گذاشته و نفسشان را بند آورده است؛ مشاهده میشود که نسبت به جمعیت در

با فریاد «نه به اعدام»، متحد و سراسری به جنگ حکومت اعدامی رویم!

بیانیه مشترک تشکلها و جمعهای دانشجویی از سراسر کشور به مناسبت ۱۰ اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام

- محکومان به اعدام و خانوادههای آنان، باید فارغ از «جرائم» انتسابی، در مسیر مبارزه علیه این مجازات ضدانسانی با یکدیگر متحدانه عمل کنند. اعدام تصمیم سیاسی حکومت است و محکومین به جرائم غیرسیاسی، خواهناخواه وارد عرصه سیاست شدهاند.

- کارزار سهشنبههای نه به اعدام، یک دست آورد مبارزاتی و انسانی برآمده از انقلاب «زن زندگی آزادی» است. باید از این دست آورد با ارزش پاسبانی کنیم و هر هفته با زندانیان سیاسی ابراز همبستگی کنیم و آنرا گسترش دهیم.

- خلع سلاح حکومت اعدامی، نیازمند اعتراضات فراگیر و سراسری همه بخشهای جامعه علیه اعدام است؛ بر این مبنا یکی از محورهای اصلی اعتراضات همهروزه کارگران، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان، پرستاران و ... باید مبارزه پیگیرانه علیه اعدام باشد.

- هرگونه همبستگی، ائتلاف و اتحاد سیاسی مبتنی بر «زن زندگی آزادی» (و برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، باید مبارزه علیه اعدام و لغو همیشگی این حکم قرون وسطایی را جزء اصول ابتدایی خود قرار دهد.

ما دانشجویان از سراسر کشور، تاکید می‌کنیم که مبارزه متشکل تر و سراسری تر علیه اعدام یکی از تمرکزات ما در مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی است.

حکومت اعدامی نابود باید گردد

پیروز باد انقلاب #زن_زندگی_آزادی

امضاکنندگان:

لیست تشکلها:

تشکل دانشجویان پیشرو، نهاد آزادیخواهان دانشگاه تهران شمال، جمعیت دانشجویان دادخواه دانشگاه تهران، انجمن دانشجویان آزادیخواه دانشگاه بهشتی

اتحاد دانشجویان الزهرا، اتحاد دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان، نهاد دانشجویان

دانشگاه آزاد اصفهان - صدای آزاد دانشگاه (دانشگاه هنر اصفهان)

جمعهای دانشجویی از دانشگاههای: - دانشگاه اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

دانشگاه ارومیه،

مهر ۱۴۰۴

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

«روز جهانی مبارزه علیه اعدام» (در حالی فرامی‌رسد که جمهوری اسلامی در سال جاری میلادی، به نسبت سال گذشته، اعدامها را نزدیک به دو برابر افزایش داده. تصور کنید در مقطع انتشار همین بیانیه، همین حالا که سطر به سطر آنرا می‌خوانید، عده زیادی در سیاهچاله‌های این رژیم جنایتکار، منتظر هستند تا لحظه قتلشان فرا رسد. این حکومت می‌کشد و جان می‌گیرد تا بماند و به قتل و غارت و تجاوز سیستماتیک ادامه دهد.

اعدام، این قتل عمد حکومتی، نه فقط سرکوبگری و جنایت سیستماتیک، بلکه به معنای سلاخی کردن مفهوم انسانیت است. از این رو ما این بیانیه را خطاب به مردم آزاده می‌نویسیم و از همه می‌خواهیم که همبسته و سراسری مبارزه علیه اعدامها را جزء لاینفک فعالیت‌های خود بدانیم و برای لغو همیشگی این ننگ بر پیشانی جامعه انسانی تلاش سراسری تری کنیم.

ما مبارزات مداوم علیه اعدام را ارج می‌نهیم و یادآور می‌شویم، تک تک ما در حال جدال با حکومتی هستیم که رتبه اول را در ارتکاب این جنایت سازمان‌یافته حکومتی در سراسر دنیا دارد. از همین رو، ضروری است که بخش بزرگی از مبارزه ما نیز به همین موضوع اختصاص یابد.

آنچه باید در مبارزات امروزمان علیه اعدام، مورد توجه قرار دهیم:

- افشا کنیم که رژیم اسلامی در تلاش است تا انتقام شکستش در جنگ ۱۲ روزه مقابل اسرائیل را از مردم ایران گرفته و مخالفانش را به بهانه «جاسوسی برای اسرائیل»، اما برای تامین امنیت خودش، به قتل می‌رساند.

- انتقام‌جویی‌های این جنایتکاران، دامان تمام بخش‌های جامعه را گرفته؛ از دانشجویان و فعالان کارگری تا گروه‌های اتیکتی، زنان و کونیرها، همه ما در صف بی‌انتهای اجرای حکم ایستاده‌ایم و تنها نوبت‌مان نرسیده ... پس همه ما در جنبش‌های اعتراضی مختلف، باید علیه اعدامها هم فعالانه و متحدانه اقدام کنیم.

- جمهوری اسلامی همیشه در بزنگاه‌های مبارزه علیه اعدام، طیفی از جرائم را برجسته می‌کند که گرچه ماهیت سیاسی ندارند، ولی قربانیان آن به سیاسی‌ترین ابزار حکومت یعنی چوبه‌های دار سپرده می‌شوند. فراموش نکنیم که #نه_به_اعدام، یعنی «گفتن به تمامی اعدامها؛ از زندانیان سیاسی تا محکومین مواد مخدر تا هر آنچه اراذل و اوباش حاکم، پرونده‌های «بزهکاری» می‌خوانند.



بیانیه به مناسبت دهم اکتبر، روز جهانی نه به اعدام اعدام شمشیر جنگ حاکمیت با مردم حق طلب

امسال در شرایطی با روز جهانی مبارزه علیه اعدام همصدا می شویم که دستگاه مرگ آفرین حاکم بر ایران به طرز سرسام آوری به اعدام متوسل شده است به طوری که از مهر سال گذشته تاکنون بیش از ۲۴۲ نفر را به جوخه مرگ روانه کرده است یعنی هر ۶ ساعت یک انسان توسط حکومت در زندانها اعدام شده اند و یک خانواده داغ اعدام بر سینه هایشان کوبیده شد.

صدها زندانی زیر حکم شنیع اعدام به همراه خانواده هایشان در کابوس مرگ بسر می برند. فکر به آخرین لحظات مرگ عزیزان با اعدام عمر و زندگی را برای خانواده های داغدار اعدام به کابوس بدل می کند.

اعدام مجازات نیست، قتل حکومتی است و ابزار سرکوب حاکمیت علیه مردم معترض و حق طلب که برای هیچ کس جایز نیست!

حاکمیت در ایران انسانها را با عناوین جاسوسی و سیاسی-امنیتی طی محاکمه ظالمانه و دادگاههای فرمایشی چند دقیقه ای، محکوم به اعدام می کند و یا هزاران انسان بی پناه که قربانی مافیای مواد مخدر می باشند را برای گرم نگه داشتن دستگاه آدم کشی، اعدام و به جوخه مرگ می سپارد.

مبارزات عدالت خواهانه مردم علیه فساد، فقر، گرانی و بیکاری باعث افزایش موج اعدام ها در ماههای اخیر شده است

حاکمیتی که هیچ پاسخی برای مردم ندارد، تنها به ابزار اعدام متوسل شده است با این خیال که با شمشیر اعدام می توانند مردم را به عقب براند و سرکوب کند.

مردم دست حاکمیت را در این جنایت آشکار خوانده اند و همه می دانیم که برای بقای حاکمیت چپاولگر خودشان دهه ها به نسل کشی پرداختند و اکنون در محاصره مبارزات مردم قرار گرفته اند و با گروگان گیری انسانها، شمشیر را به روی همه ما کشیده اند.

مبارزه علیه اعدام از مادران دهه شصت تا خاوران ها و گلزارهای عزیزانمان در سراسر ایران امتداد داشته است و امروز به اعتراض سراسری بدل شده است.

حاکمیت، اعدام را برای تعرض به کل جامعه به کار بسته است و باید همه ما به صورت سراسری و متحد علیه اعدام مبارزه کنیم.

۸۹ هفته در سه شبه های نه به اعدام همراه با اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در ۵۲ زندان سراسر کشور، خانواده های محکوم به اعدام در خیابانها، فریاد #نه_به_اعدام زده اند. و صدای اعتراض علیه اعدام به تجمعات خیابانی بازنشستگان کشیده شده است.

هنرمندان و نویسندگان، دانشجویان و همه تشکلهای و نهادهای اجتماعی با فریاد نه به اعدام هم صدا هستند

ما دادخواهان که داغ اعدام و کشتار عزیزانمان را برای همه عمر بر سینه داریم با خانواده های محکومین به اعدام هم پیمان هستیم و برای لغو همه احکام اعدام و توقف قتل عمد حکومتی کنار هم ایستاده ایم و به قدرت اتحاد مان برای نابودی بساط اعدام مبارزه می کنیم.

اکنون بیش از دهها زندانی سیاسی در زندانها در خطر اعدام هستند.

انسانهای شریفی همچون: عباس دریس، وحیدبنی عامریان، احسان افراشته، شاهرخ دانشورکار، پویا قبادی، بابک علیپور، محمد تقوی، ابوالحسن منتظر، منوچهر فلاح، پیمان فرح آور و زنان مبارزی همچون وریشه مرادی، شریفه محمدی، پخشان عزیزی که جانشان در خطر است.

از همه مردم می خواهیم در روز جمعه ده اکتبر یکصدا و متحد و سراسری به هر طریقی که میتوانند فریاد "#نه_به_اعدام" سر دهند تا همه دنیا را برای مقابله با اعدام در ایران همصدا سازیم:

۱_حکم اعدام از قوانین قضایی در ایران لغو شود

۲_همه احکام اعدام فوراً ملغی شود

۳_همه زندانیان سیاسی فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

نه به اعدام زنده باد زندگی

نهاد: "دادخواهان"، "اعدام نکند"

۱۶ مهر ۱۴۰۴-۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ (برگرفته از مدیای اجتماعی)



اعدام قتل عمد حکومتی، #نه_به_اعدام

یکصدا با ۱۰ اکتبر روز جهانی مبارزه با اعدام

همراه با سه شبه های نه به اعدام و زندانیان در سراسر کشور و خانواده های محکومین به اعدام

همصدا با خانواده های دادخواه بیش از چهار دهه اعدام متحد با جنبش لغو مجازات اعدام در کف خیابانها

هم پیمان با سه زن مبارز زیر حکم اعدام

#شریفه_محمدی #پخشان_عزیزی #واریشه_مرادی

اعدام نه نه نه

"ندای زنان ایران" - مهر ۱۴۰۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)